

پیکار جوانان

نشریه عمومی



جنبش انقلابی جوانان افغانستان

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

دور دوم شماره هفتم اسد ۱۳۸۷ (اگست ۲۰۰۸)

دو کشته و چهارده زخمی در درگیری های کمپ "شیدائی" در ولایت هرات
 گزارشگر پیکار جوانان از منطقه شیدائی خبر میدهد که در نتیجه درگیری میان تظاهرکنندگان مهاجر کمپ شیدائی و نیروهای پولیس در هرات دو تن کشته و چهارده تن زخمی شدند. صفحه ۵

وب سایت جنبش انقلابی جوانان افغانستان به فعالیت آغاز کرد
 جنبش انقلابی جوانان افغانستان با سر فرازی و افتخار اعلام می نماید که با تلاش شبانه روزی فعالین خود توانسته است وب سایت بالاخره وب سایت انترتی خویش را فعال نماید. صفحه ۲



شکاف های درون رژیم پوشالی طشت رسوائی اش را به صدا درآورد
 بعد از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و سپس تجاوز سوسیال امپریالیست ها بر افغانستان، امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و قدرت های ارتجاعی وابسته به آنها در منطقه ... صفحه ۵

در سیاست دخالت نکنید!!!
 از زمان اشغال افغانستان و به کرسی نشاندن حامد کرزی توسط اشغالگران، سرلوحه همه شعارهای رژیم دست نشانده برای متعلمین و محصلین اینست که: درسیاست دخالت نکنید!!! ... صفحه ۷



گزارشی از حمله "طالبان" به زندان قندهار
 بر اساس تازه ترین گزارشهای رسیده از ولایت قندهار به تعداد ۱۱۰۰ نفر زندانی از مجموع ۱۵۰۰ نفر از محبس قندهار فرار نمودند. گزارشگر ما از منطقه میگوید طالبان طی صفحه ۳

اعلامیه شماره دوم از مبارزات برحق دریوران ولایات کشور قاطعانه دفاع کنیم
 اعلامیه شماره دوم منتشرشده از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان که درست چهار روز بعد از اعتصاب دریوران به صورت گسترده در سراسر ولایات کشور پخش شد. صفحه ۹

اعتصاب دریوران ولایات کشور را قاطعانه پشتیبانی کنیم و ..
 اعلامیه شماره اول منتشرشده از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان که درست چهار روز بعد از اعتصاب دریوران به صورت گسترده در سراسر ولایات کشور پخش شد. صفحه ۹



محبس قندهار

ويب سايت جنبش انقلابي جوانان افغانستان به فعاليت آغاز کرد

www.afghanistanrymo.org

جنبش انقلابی جوانان افغانستان با سرفرازی و افتخار اعلام می نماید که با تلاش شبانه روزی فعالین خود توانسته است بالاخره وبسایت اینترنتی خویش را فعال نماید.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان بعد از تصویب پلاتفورم سیاسی خود توانست وبلاگهایی را برای نشر افکار ملی - دموکراتیک در خدمت تدارک برای برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده شان رویدست بگیرد و وبلاگ " بسوی آزادی " را به همراه دو وبلاگ دیگر بنام " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " فعال نماید. اما این فعالیت اگرچه از یک لحاظ مزیت هایی را در برداشت، اما از جهت دیگر دارای مشکلاتی از قبیل سانسور توسط سانسورچیان مربوط به رژیم دست نشانده بود. مهم از همه ظرفیت نسبتا کم وبلاگ ها بود که باعث میشد اسناد معینی نتواند توفیق انتشار یابد.

علاوتاً کار وبلاگ ها متمرکز نبود و به شکل منظم پیش نمی رفت. هر واحد منطوقی جنبش انقلابی جوانان افغانستان با در نظر داشت فعالیت های منطوقی اش دست به انتشار اسناد می زد و این موضوع خود برای جنبش تا حدی مشکل آفرین بود.

بعد از تبدیل شدن پیکار جوانان از یک نشریه منطوقی به یک نشریه عمومی، جنبش تصمیم گرفت تا انتشارات الکترونیکی خود را نیز متمرکز نموده و یک وبسایت عمومی به وجود آورد، تا از یک طرف بتواند از تشتت و پراکندگی کاری در این ساحه جلوگیری نماید و از طرف دیگر بتواند جلوی سانسور شدید مقامات امنیتی رژیم را بگیرد. اینک وبسایت اینترنتی جنبش انقلابی جوانان

افغانستان فعال گردیده و در اختیار خوانندگان اسناد جنبش قرار دارد.

ما منسویین جنبش انقلابی جوانان افغانستان، همانطوری که در شماره اول دور دوم پیکار جوانان یادآور شدیم، بازهم بیان میداریم که نشریه پیکار جوانان در دور دوم نشراتی خود باید نسبت به دور اول نشراتی، از لحاظ کیفی مسیر ارتقاء و پیشرفت روز افزون را طی نماید. حالا با تاسیس وبسایت اینترنتی جنبش انقلابی جوانان افغانستان، گام دیگری به سوی ارتقا و پیشرفت روز افزون پیکار جوانان و کلیت فعالیت های تبلیغاتی جنبش بر داشته شده است. امیدواریم که در آینده نیز بتوانیم حرکت در مسیر ارتقا و

پیشرفت روز افزون را حفظ کنیم. در این زمینه از تمامی اعضا و هواداران جنبش انقلابی جوانان افغانستان و از تمامی دوستان و علاقمندان جنبش تقاضا مندیم تا ما را در راستای نیل به اهداف سترگ مقاومت ملی مردمی و انقلابی و کلیت انقلاب دموکراتیک نوین در کشور مستعمره - نیمه فئودال افغانستان مدد رسانند. ما همچنان از تمامی خوانندگان نشریه پیکار جوانان می خواهیم که با این نشریه به مثابه یگانه نشریه ملی - دموکراتیک انقلابی سرتاسری جوانان کشور که از داخل افغانستان نشر می گردد، همکاری و همیاری همه جانبه نمایند.

گزارشی از حمله "طالبان" به زندان قندهار

بر اساس تازه ترین گزارشهای رسیده از ولایت قندهار به تعداد ۱۱۰۰ نفر زندانی از مجموع ۱۵۰۰ نفر از محبس قندهار فرار نمودند.

گزارشگر ما از منطقه میگوید طالبان طی سلسله عملیاتی که جمعه شب مورخ ۲۴ جوزای ۱۳۸۷ بالای زندان قندهار انجام دادند موفق شدند تا ۱۱۰۰ نفر را آزاد سازند. گفته شده است که ۴۰۰ نفر از اسرای جنگی طالبان در این محبس اسیر بوده اند که طی همین سلسله عملیات آزاد ساخته شده اند.

عملیات راس ساعت ۹:۳۰ شب با انفجار مهیب یک تانکر در قسمت پیش روی دروازه ورودی محبس شروع شد. به تعقیب آن زد و خوردها میان پولیس و زندانیان آغاز گشت. گفته شده که یک نفر انتحار کننده نیز بلا فاصله بعد از انفجار خود را به قسمت دیگری از دیوار احاطوی زندان رسانده و خود را انفجار داده است. پس از آن ۴۰ مرد مسلح طالب به همراه پانزده عراده موتر سایکل به محل حادثه نزدیک شده و زد و خوردها را تشدید میکنند. در این درگیری ها به تعداد ۱۵ نفر از محافظین امنیتی محبس کشته میشوند. بعد از اینکه افراد مسلح طالب خود را به داخل محبس میرسانند، اولین کاری که میکنند ۴۰۰ نفر زندانی سیاسی خود را از محبس بیرون می کشند و به دیگران دستور میدهند که زندان را ترک کنند.

روز شنبه مورخ ۲۵ جوزا، قاری محمد یوسف سخنگوی طالبان از یک محل نا معلوم توسط تلفن به رادیو صدای آلمان گفته است که زندانیان طالب به " جایگاه های مصئون " رسیده اند.

همچنان وی از طریق رادیو آزادی اظهار داشت که به مقدار ۱۸۰۰ کیلوگرام مواد منفجره را در داخل یک تانکر جاسازی کرده بودند که توانستند آنرا در ساعت معینه در نزدیک دروازه ورودی محبس انفجار دهند. وی اشاره نمود که این طرح و پلان حدود دو

ماه را در بر گرفت تا توانست عملی شود. گفته شده که در میان کشته شده ها یکتعداد از افراد طالب و یکتعداد از زندانیان نیز دیده شده است.

یک روز بعد از حادثه محمد قاسم هاشم زی معاون وزارت عدلیه افغانستان به رادیو صدای آلمان گفت: " یک حمله بسیار غیر مترقبه بود و همراه با نیروهای خارجی عملیاتی به راه انداخته شده است تا این زندانیان پی جویی شده و دوباره زندانی شوند. " دولت ادعا دارد که هشت نفر را به ظن دست داشتن در این عملیات دستگیر کرده است.

سال گذشته مقامات نظامی امریکایی تحت برنامه تبادل زندانیان شمار نامعلوم افرادی را که مظنون به طالب بودند به مقامات افغانستان سپرده بود و در ماه گذشته زندانیان طالب در زندان قندهار برای چندین روز اعتصاب غذایی داشتند. آنها شاکی بودند که با ایشان بدرقتاری می شود.

همچنان بنا به اظهار عبدالولی کرزی رئیس شورای ولایتی قندهار و برادر حامد کرزی در نتیجه این حمله به زندان حدود پانزده تن از محافظان زندان کشته شده اند. عبدالولی کرزی به رادیو صدای آلمان گفت: " ما اجساد ۱۵ محافظ امنیتی را که در این حمله کشته شده بودند پیدا کردیم. تلفات شاید از این بیشتر باشد. "

روز یکشنبه مورخ ۲۶ جوزا بی بی سی در سایت خبری خود نوشت که: " ناتو حمله به زندان قندهار را 'پیروزی طالبان' خواند. " بی بی سی در ادامه مطالب خود نوشته است: " ناظران اوضاع افغانستان این حادثه را رخنه امنیتی بزرگی می دانند که نگرانی شدید مقامات افغان و حامیان بین المللی آنها را به همراه دارد. " (یکشنبه

۱۵ ژوئن ۲۰۰۸ - ۲۶ خرداد ۱۳۸۷) به ارتباط گریز زندانیان از زندان قندهار خانم شکیا هاشمی عضو پارلمان رژیم میگوید: " شش روز پیش از این حادثه به

شماره تلفن آقای نور الحق علومی از داخل محبس قندهار تلفن آمد. چون آقای علومی تشریف نداشت دستیار او با زندانیان صحبت کرد. زندانیان به او گفتند هیئتی که به زندان قندهار رفته بود، دوسیه های ما را ندیده اند و مدت پنج سال است که همین قسم بی سر نوشت افتاده ایم. آن ها می گویند درست است که ما مجرم هستیم اما مطابق قانون باید سر نوشت ما تعیین شود. "

خانم هاشمی گفته های زندانیان را تایید میکند و در ادامه با تایید حرف زندانیان میگوید: " هیئتی که به قندهار رفته بود فقط دوسیه چند تن از آدم ربایان و عوامل انتحاری را بررسی کرده و سپس به کابل باز گشته بودند. " خانم هاشمی در ادامه صحبت هایش یاد آوری کرد که: " جنرال یوسف زی دستیار آقای علومی همان لحظه نزد آقای یاسینی معاون ولسی جرگه رژیم می رود و جریان را برای او شرح می دهد که متوجه باشید از زندان قندهار هشدار داده شده است؛ ممکن است اقدامات خشونت آمیزی شکل گیرد. زندانیان اخطار داده بودند که یک بار اعتصاب کردیم و لبان خود را دوختیم؛ شما صدای ما را نشنیدید، اگر شما به ما توجه نکنید، به عمل دیگری دست می زنیم! "

وقتی راجع به وضعیت زندانیان زندان قندهار از خانم هاشمی پرسان شد، در جواب گفت: " من خودم به زندان قندهار رفته بودم و آنچه را که به چشمانم دیده ام واقعیتی بود که مرا به تعجب واداشت، زیرا در پشت چند تن از زندانیان میخ کوبیده شده بود. من دیدم چشم کسی را کور کرده بودند، یکی از زندانیان بر اثر شکنجه دیوانه شده بود. "

او در ادامه صحبت اش گفت: " آن چه در زندان قندهار اتفاق افتاده است ناشی از عملکرد مقامات دولتی و حکومت بیکاره و ضعیف است. "

بر علاوه زمانیکه با خانم هاشمی راجع به مسئله فساد اداری صحبت شد وی اذعان نمود که: " من خودم به چشم سر دیدم که در روز روشن مبلغ یک صد هزار دالر از یک دکان

توانسته اند مدرک مشخصی برای اثبات جرم زندانیانی که تا هنوز بی سرنوشت در درون زندان گوانتانامو محبوس مانده اند پیدا کنند، به این خاطر هم نمیتوانند به آزادی آنها مبادرت ورزند، زیرا آزادی و یا تحویل آنها به کشورهای متبوع شان خود رسوایی دیگری را در پی خواهد داشت که بدتر از اطلاعات غلط درباره وجود سلاح های کشتار دسته جمعی در عراق میباشد.

البته افواهاتی نیز راجع به آزادی اسرای جنگی طالبان وجود دارد مبنی بر اینکه ممکن است حمله به زندان قندهار در نتیجه تباری میان رژیم و طالبان صورت گرفته باشد و احیانا نیروهای خارجی مستقر در افغانستان نیز در آن سهم داشته اند. این افواها مبتنی بر این امر است که کرزی قبلا میخواست تا به یک تباری با طالبان دست بزند. قبلا هم این سروصداها یکمقدار اوج گرفت، ولی بعد از مدتی خاموش شد. از طرفی هم در خواست کرزی از حکمتیار برای کنار گذاشتن سلاح و ملحق شدن وی به دولت و از طرف دیگر دعوت کرزی از نماینده خاص طالبان که هر دو جناح میتوانند در پارلمان آینده کشور و همچنان کابینه آینده حکومت سهم بگیرند، نیز سروصداهایی ایجاد نمود.

درینمورد باید بگوئیم که چنین افواهاتی معمولا از طرف جناح به اصطلاح ائتلاف شمال سابق، که برای تباری با طالبان آمادگی ندارند بر سر زبان ها می افتد. در واقع زمینه ساز اصلی حمله به زندان قندهار، ضعف دولت، تزلزل در اردو و رژیم پوشالی و عدم کنترل و مراقبت جدی از زندان قندهار بوده است و نه چیز دیگری. می توان گفت که دخالت القاعده در عملیات بالای زندان قندهار مسلم است. بر علاوه شرکت طالبان پاکستانی درین عملیات مسلم است و ممکن است حلقاتی در درون حاکمیت پاکستان نیز درین عملیات نقش داشته بوده باشند.



لحظوی به سرعت میروند و تضاد های درونی امپریالیستها هر لحظه تشدید می شود.

در ارتباط حمله به زندان قندهار گمانه های زیادی موجود است. از آنجمله ضعف حکومت، فساد اداری، قدرت یافتن طالبان و برخی عوامل دیگر، از جمله مشابهت اوضاع زندان قندهار با زندان گوانتانامو.

نقض آشکار حقوق بشر در زندان گوانتانامو، امروزه لکه ننگی بر دامن امپریالیستهای امریکایی شده است، زیرا به سلسله گزارشات انعکاس داده شده اکثر رسانه های غربی، یکتعداد از زندانیان زندان گوانتانامو مدت هفت سال است که در بی سرنوشتی کامل، بدون محاکمه و در بدترین حالت نگهداری شده اند. تجاوزات جنسی نیروهای امریکایی با اکثریت این زندانیان، بی حرمتی به زندانیان مسلمان و کتاب مقدس آنها و غیره فجایعی که عموما از طریق سایتهای خبری غربی انعکاس داده شده و سروصدای جهانی را در پی داشته است، خود رسوایی هایی را برای مقامات اطلاعاتی و قضایی امریکا به بار آورده است. همچنان یک احتمال قوی



گوشه ای از تجاوزات زندان گوانتانامو



میروند که چون مقامات اطلاعاتی امریکا

زرگری را ربودند. پولیس دزدان را دستگیر کرد، اما به جای اینکه به دکاندار توجه شود، از شخص سارق حمایت کردند. می گفتند: که این فرد (دزد) از پاکستان مهمان آمده است. او می گوید: "این بی عدالتی ها فاجعه آفرین است، همانطوری که به وقوع پیوست."

به گفته او بعضی از مسئولین امنیتی با دزدان همکاری تنگاتنگ و نزدیکی دارند. به این خاطر وقتی سارقی دستگیر میشود یا فوراً آزاد میگردد و یا اینکه بعد از گذشت چند روز از حبس رهایی میجوید.

جنرال هلال الدین هلال عضو پارلمان رژیم نیز می گوید: "این عمل انتحاری به اثر ضعف ارگان های کشفی و امنیتی حوزه قندهار صورت گرفته است."

هلال در ادامه صحبت اش می گوید: "با آن که حادثه مشابه در زندان پل چرخنی اتفاق افتاد، اما هیچ تدبیری برای جلوگیری از تکرار چنین حوادثی اتخاذ نشد، در حالی که حوادث مشابهی در جریان جشن هشت ثور و هو تل سرینا اتفاق افتاده بود."

سید آقا ثاقب قومندان امنیه قندهار روز شنبه ۲۵ جوزا به خبرنگاران گفت که: "نیروهای امنیتی تمامی مناطق قندهار و راه های خروجی از شهر را زیر مراقبت شدید قرار داده اند. اما نگفت که کسی در این زمینه دوباره بازداشت شده است یا خیر؟"

مارتین پیشنس، خبرنگار بی بی سی در کابل، می گوید: "این حادثه رخنه امنیتی بزرگی است که بدون شک مقامات افغان و حامیان غربی آنها را نگران می سازد."

به هر حال عملکرد طالبان بخوبی سرشت و ماهیت دولت دست نشانده را برملا ساخت و این مسئله را به وضاحت کامل عیان کرد که ناتو در افغانستان تا چه حد مستاصل شده و شکستش در افغانستان رقم خورده است. در واقع نشست اعضای ناتو در بخارست نتوانسته فرسایش ماشین جنگی نیروهای ناتو و یانکی در افغانستان مرمت نماید.

گرایش به طالبان و حکمتیار در درون کابینه نیز افزایش یافته است. طالبان در هر جا و به هر شکلی که بخواهند اقدام میکنند. تلفات سربازان خارجی سیر صعودی خود را در افغانستان سپری میکنند و اموالشان بصورت

دو کشته و چهارده زخمی در درگیری های کمپ "شیدائی" در ولایت هرات

پنجشنبه: ۲۳ جوزای ۱۳۸۷
گزارشگر پیکارجوانان از منطقه شیدائی خبر میدهد که در نتیجه درگیری میان تظاهرکنندگان مهاجر کمپ شیدائی و نیروهای پولیس در هرات دو تن کشته و چهارده تن زخمی شدند.

طبق گفته های شاهدان عینی، محمد رفیق مجددی شاروال هرات برای تخریب منازل بیجاشدگان کمپ شیدائی به منطقه میروود و دستور تخریب منازل شان را میدهد. با شروع تخریب منازل مهاجرین کمپ شیدائی، مردمان مهاجر و ساکن شیدائی دست به تظاهرات میزنند و جاده هرات - بادغیس را به مدت ۸ ساعت مسدود میکنند.

در این درگیری ها مردم معترض به سوی پولیس سنگ پرتاب میکنند و بالمقابل پولیس نیز به روی تظاهرکنندگان آتش می گشاید که در نتیجه این حادثه چهارده تن از تظاهرکنندگان زخمی و دو تن نیز کشته میشوند.

مسئولان بخش عاجل شفاخانه حوزوی هرات میگویند که سیزده تن از این تظاهرکنندگان زخمی به شفاخانه حوزوی هرات انتقال یافته اند و یکی ازداکتران مسئول که نخواست نامش فاش شود به گزارشگر ما گفت که: " این زخمی ها توسط مرمی مورد هدف قرار گرفته اند و اکثریت شان از ناحیه پا زخمی شده اند."

به گفته شاهدان عینی هشت نفر نیز به اتهام اعتراض و سنگ باران پولیس و مسدود نمودن شاهراه به دست پولیس افتاده ولی سه نفر در جا رها شده اما پنج نفر دیگرشان به قومندانی امنیه

انتقال یافته اند و در حبس به سر میبرند. محمد رفیق مجددی شاروال هرات در مصاحبه بارادیوبی بی سی گفت: " ماموران شاروالی به قصد تخریب دکانهایی که غیرقانونی در آن منطقه ساخته شده بود رفته بودند. " وی از درگیری پولیس و زخمی شدن شماری از اعتراض کنندگان اظهار بی اطلاعی کرد.

در عین حال عبدالرئوف احمد سخنگوی پولیس زون غرب با تایید بر زخمی شدن یازده نفر از اعتراض کنندگان گفت: " نیروهای پولیس از سوی اعتراض کنندگان که از گذشته ها سلاح داشته اند با اسلحه و سنگ و چوب مورد حمله قرار گرفتند که در نتیجه یک سرباز پولیس در اثر اصابت گلوله و هفت تن دیگر با سنگ و چوب از سوی اعتراض کنندگان زخمی شده اند. " وی در ادامه صحبت اش گفت که: " پولیس ما در مقابل این عمل شنیع مردم به فیهوائی و باتوم متوسل شد و در نتیجه این درگیری یازده تن زخمی شدند. " همچنان در دفاع از شاروال هرات، سخنگوی پولیس زون غرب ادامه داد که: " پیش ازین بارها از طرف شاروالی به مهاجرین و بیجاشدگان اخطار داده شده بود که نباید در زمینهای غصب شده دولتی خانه درست کنند. اما آنان توجه نکردند و یوم پنجشنبه موقعیکه پرسونل شاروالی هرات خواستند خانه های " غیرقانونی " آنان را تخریب کنند مورد حمله مردم این منطقه قرار گرفتند. "

زمین های شهرک شیدائی از چند سال پیش بدینسو به منظور توزیع برای کارمندان دولتی در نظر گرفته شده بود که طی سه مرحله توزیع گردید. زمین ها در مرحله اول و دوم با موفقیت توزیع و قباله ها نیز داده شد، اما مرحله سوم کماکان معطل میباشد و هنوز مورد اجرا قرار نگرفته است.

پیش از اجرای این برنامه از ۱۲ سال به این طرف مهاجرینی که از ولایات بادغیس، غور و ولسوالی های اطراف هرات مانند کشک کهنه، رباط سنگی، گلران و دیگر مناطق به هرات سرازیر شده بودند در این کمپ جابجا شده اند. به گفته ریاست عودت مهاجرین هرات به تعداد ۳۰ هزار نفر در این کمپ جابجا بوده اند که بعد از سپری شدن سرمای زمستان به تشویق " دولت " یکتعداد آنها دوباره به اقامتگاه های اصلی شان بازگشت نموده اند و یک عده کماکان در این منطقه سکنا گزین هستند.

افرادی که کماکان در محل باقی مانده اند از مشکلات امنیتی مناطق خود و شرایط سخت زندگی و نداشتن سرپناه اظهار شکایت میکنند و دلیل مقیم بودن در هرات را نیز همین مشکلات عنوان می کنند.

دولت دست نشانده نه تنها تا حال نتوانسته جوابگوی خواسته های برحق بیجا شدگان داخلی کشور باشد، بلکه تلاش می نماید صدای هرگونه اعتراض را به شکل فجیع یعنی فیرمرمی و کشته و زخمی نمودن تعدادی از مردمان ستمدیده این دیار سرکوب نماید.

شکاف های درون رژیم پوشالی طشت رسوائی اش را به صدا در آورد

کوشش کردند بطرف یک مصالحه و سازش عمومی حرکت کنند. کنفرانس "ژنو" از یکسو برای بیرون شدن نیروهای اشغالگر روسی از افغانستان شکل " محترمانه " ای داد و از سوی دیگر امپریالیست ها اجمالا به توافق رسیدند که دولت ائتلافی در افغانستان بوجود آورند. اما حدت تضادها در افغانستان باعث گردید که هم در زمان موجودیت رژیم نجیب و هم در زمان قدرت جهادی ها و امارت اسلامی طالبان،

پروستریکا و گاسنوست گرباچف در " شوروی "، امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها مجموعا در سطح جهانی به طرف یک تبانی عمومی حرکت کردند. تاثیر همین وضعیت عمومی جهانی بود که " مشی مصالحه ملی " رژیم مزدور نجیب را به وجود آورد و تبانی میان امپریالیست ها و سوسیال امپریالیست ها و مزدوران شان را شکل داد. آنها در افغانستان نیز

بعد از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ و سپس تجاوز سوسیال امپریالیست ها بر افغانستان، امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و قدرت های ارتجاعی وابسته به آنها در منطقه، به تقویت همه جانبه احزاب بنیادگرای اسلامی در منطقه پرداختند. در نتیجه این سیاست اتوریته قبیله یی فتوادی خوانین در هم شکست و قدرت احزاب بنیادگرای اسلامی جانشین آن شد. پس از روی صحنه آمدن مشی و سیاست

دولت ائتلافی عمومی در افغانستان، به وجود آمده نتواند. تشکیل دولت ائتلافی رویهمرفته بعد از سقوط امارت اسلامی طالبان جامه عمل پوشید و تمام احزاب جهادی، بخش مهمی از طالبان (به استثناء طالبان معارض)، خلقی ها و پرچمی ها، تکنوکراتهای غربی، ظاهر خانی ها، افغان ملتی ها و یکنعداد از تسلیم طلبان قبلا شعله یی، بر محور رژیم پوشالی گرد آمدند.

از زمان تشکیل رژیم پوشالی چه در زمان لویی جرگه اضطراری و یا لویی جرگه قانون اساسی صنفبندی های مشخص در درون رژیم پوشالی متباز گردید. این صف بندی ها از یکجانب بیانگر رقابت ها و تضادهای قدرت های مختلف امپریالیستی و از جانب دیگر بیانگر تضاد منافع بخش های مختلف نیروهای ارتجاعی از لحاظ داخلی است. این تضاد ها و رقابت ها پیوسته در حال تشدید است. هم اکنون جناح روسی در زیر لوای جبهه ملی گرد آمده و به عنوان یک فراکسیون در درون رژیم دست نشانده، رقابت با جناح امریکایی را پیش می برد.

چور و چپاول و غصب زمین های دولتی از طرف اراکین بلند پایه دولتی، کشمکش های مالی وسیعی میان جناح های مختلف رژیم دست نشانده را به وجود آورده است، همین امر کشمکش های سیاسی میان آنها را نیز وسعت و گستردگی بیشتری بخشیده است. این کشمکش ها موجب قتل چند وزیر و چندین تن از وکلای پارلمان در درگیری های داخلی میان جناح های مختلف رژیم گردیده است.

فشارهاییکه از طریق پارلمان و جبهه ملی بر جناح کرزی وارد میشد، بالاخره جناح کرزی را وادار به قتل جمعی اعضای پارلمان نمود، این نشاندهنده آن بود تا دیگران پا را از گلیم خویش دراز تر نکنند. گرچه هر زمانیکه از طریق پارلمان روی کرزی و جناحش بمنظور امتیاز گرفتن فشاری وارد می شد، کرزی فوراً عکس العمل نشان میداد. " کمیسیون مستقل حقوق بشر" و لوی سارنوال را جلو می انداخت و خواهان محاکمه جنایتکاران جنگی میگردد و یا اینکه گورهای دسته جمعی را از طریق رسانه ها و تلویزیون ها در معرض نمایش میگذاشت. یکمترتبه ذریعه سارنوالی ۳۰ تن از اعضای پارلمان را متهم به دست داشتن در قاجاق مواد مخدر نمود و وعده سپرد که لیست این افراد به زودی منتشر میگردد. البته این لیست هرگز منتشر نگردید و قرار هم نبود که حتما منتشر گردد. همچنان لیستی که جلالی وزیر داخله سابق وعده انتشار آن را داده بود و شامل یک تعداد افراد بلند پایه رژیم می شد نیز هرگز

منتشر نگردید و محفوظ ماند. جناح کرزی از طریق طرح این مسائل جناح مخالف را وادار به عقب نشینی میکرد. مثلا در مورد قتل شش نفر از اعضای پارلمان رژیم، گرچه اعضای پارلمان و بخصوص جبهه ملی عکس العمل شدیدی نشان دادند و تصمیم به تشکیل کمیسیون مستقل گرفتند تا جریان را مورد تعقیب و تحقیق قرار دهند. اما اینبار بازهم گورهای دسته جمعی، سر و صدای مرگ کاظمی و چند تن از رفقاییش را تحت شعاع قرارداد و خاموش ساخت.

جناح حامد کرزی باز هم مانور سیاسی دیگری را برای عقب زدن فراکسیون درون رژیم توسط ریاست عمومی امنیت ملی به اجراء درآورد. اینبار معاون ریاست امنیت ملی در داخل پارلمان ادعا نمود که: " بسیاری از وکیلان ولسی جرگه حامی تروریست ها و قاجاقچیان مواد مخدراند. ما در این زمینه اسناد و شواهدی داریم که به موقع آنرا منتشر خواهیم ساخت. " (اخبار تلویزیون طلوع ساعت شش روز چهارشنبه ۲۳ اسد ۱۳۸۷)

سخنان معاون ریاست امنیت ملی را سخنگوی ریاست جمهوری نیز تایید نمود. این مانور سیاسی جناح کرزی، جناح مقابل را واداشت تا عکس العمل نشان دهد. یکروز بعد ازین قضیه پارلمان جلسه ای تشکیل داد و در این جلسه تمام نیروهای امنیتی بشمول ریاست امنیت ملی را متهم به دست داشتن در قاجاق مواد مخدر و اختطاف ها نمود.

در این جلسه ادعا گردید که: " تمامی نیروهای امنیتی بشمول ریاست عمومی امنیت ملی نه تنها در قاجاق مواد مخدر بلکه در اختطاف ها دست دارند. چنانچه برای اختطاف ها و حمل مواد مخدر از موترهای رنجر پولیس و اردوی رژیم استفاده به عمل میاید. ما در این زمینه اسنادی داریم که به دسترس همگان قرار خواهیم داد. " (اخبار تلویزیون طلوع - روز پنجشنبه - ساعت ۱۱ و نیم شب - ۲۴ اسد ۱۳۸۷)

تضاد و کشمکش میان دو جناح رقیب به حدی است که هر یک طرف مقابل را متهم به جنایت میکند. در حالیکه رژیم پوشالی در مجموع، چه جناح روسی و چه جناح غربی، همه غرق در جنایت و فساد اند و هیچکدام از دیگری برتری ندارند.

در واقع هر کدام از طرفین میخواهند که دیگری را عقب زده و مهار جنایت را به تنهایی به دست خویش داشته باشد. به همین خاطر

هم هست که حامد کرزی گاه و بیگاه به ملا عمر و گلبدین چراغ سبز نشان میدهد، این حرکات کرزی بخاطری رویدست گرفته می شود تا بدان وسیله جناح مخالف را تحت فشار قرار داده و مطیع و فرمانبردار سازد.

امروز در افغانستان قاجاق مواد مخدر و اختطاف آنقدر ابعاد گسترده ای به خود گرفته که به هیچ یک از افراد جامعه پوشیده نمانده است. این قضیه دیگر آنقدر رسوا و مفتضح گردیده است که حتی بسیاری از اراکین بلند پایه دولتی که خود شان غرق در این جنایت اند، وادار می شوند که به موجودیت آن اعتراف نمایند.

تلویزیون طلوع در اخبار ۱۱ و نیم شب مورخ ۲۴ اسد ۱۳۸۷ گفت که: " از اول سال جاری تا کنون ۱۳۷ مورد اختطاف وجود داشته است. " سخنگوی وزارت داخله با تایید این آمار گفت که: " تقریباً هر روز یک اختطاف در افغانستان اتفاق می افتد. "

حال باید از آقای زمری بشری سخنگوی وزارت داخله پرسید که: عامل اصلی این همه اختطاف ها کیست؟ با اینکه عده کثیری از اختطاف چیان دستگیر شده اند، اما چند نفر آنها محاکمه شده اند؟ چه کسی حامی آنها بوده و آنها را رها میسازد؟ جواب این سوال ها بر هیچکس پوشیده نیست، حتی افراد عادی به خوبی میدانند که قوه قضائیه، قوه اجرائیه و قوه مقننه، یعنی از شخص حامد کرزی گرفته تا کابینه، پارلمان و محاکم عدلی و قضائی رژیم در این جنایات شریک بوده و هر کدام پشتیبان یک باند جنایتکار میباشند. اگر باند ها و افراد آنها روابطی با جنایتکاران درون رژیم پوشالی نداشته باشند، اولاً جرات اقدام به چنین اعمالی را ندارند و ثانیاً هرگاه دستگیر شوند فوراً به محاکمه کشانیده میشوند.

مردم شاهد هزاران مورد اختطاف و صد ها مورد غصب اراضی دولتی و شخصی و هزاران مورد تجاوز جنسی اند. اما دوسیه های نسبتی این جنایات به محاکم عدلی و قضائی کشانیده نشده اند. چنانچه دوسیه های معینی به محاکم هم کشانده شده باشند، جنایتکاران برائت حاصل نموده و آزاد گردیده اند. مثلاً چندین بار از طرف رژیم پوشالی سر و صدای غصب اراضی دولتی توسط لوی سارنوال و وزارت شهرسازی و مسکن به راه افتاد و گفتند که سه میلیون جریب زمین (۶ میلیارد مترمربع) توسط زور مندان غصب گردیده است. والی هلمند نیز ادعا نمود که یک میلیون و هفتصد هزار جریب زمین از طرف زور مندان در این

ولایت غصب گردیده است) هر جریب معادل دو هزار متر مربع است).

مگر این زورمندان غیر از اراکین بلند پایه دولتی کسی دیگری میتواند باشد؟ واضح است که خیر! تمام جنایات، زورگویی ها و تجاوزات جنسی توسط همین زورمندانی که در دستگاه رژیم پوشالی گرد آمده اند جامعه عملی میپوشد. چنانچه در اوسط ماه اسد سال جاری در جاده مخابرات ولایت هرات اختطاف چیان خواستند تا یکنفر را بر بایند. اما آن فرد که همراه یکی از اقا ربش بود مقاومت نموده و به موتر سوار نشد. بالاخره افراد مسلح فرد همراه آن شخص را به مر می میزند. در این هنگام پولیس سر میرسد و در عین گریز، دو نفر اختطاف چی مسلح دستگیر و به قومندانی امنیه انتقال می یابند. چند روز بعد هردو نفر در بدل مبلغ چهارصد هزار افغانی آزاد میگردند. هر دو نفر دستگیر شده از منطقه صوفی آباد - فرقه ولایت هرات اند. طبق گفته یکنفر از اهالی صوفی آباد که از خویشاوندان اختطاف چیان است " اختطاف چیان مدعی اند که ما چهارصد هزار افغانی دادیم! باید فرد طرف مقابل برای مان چهار میلیون افغانی بدهد! "

این قضیه برای تمام ارگان های دولتی مانند روز معلوم است، اما همه آنها درینمورد مهر سکوت به لب زده اند. چرا؟ بخاطر اینکه هر کدام ایشان با چنین باندهایی سرو کار دارند و در زمان دستگیر شدن شان باید به کمک شان برسند و آنها را از مخمصه نجات داده و حق و سهم پولیس را نیز بپردازند. بعدا آزاد اند تا کارشان را باز هم ادامه دهند.

تمامی ارگانهای دولتی به شمول شخص کزری سر و ته یک کرباس اند. همه آنها جانی، قاتل، دزد، متجاوز به حقوق انسانی، خود فروخته و اجیر اند و به همین خاطر هم است که جنبه های

اصلی سیاست رژیم دست نشانده این است که روی پیوند با اشغالگران امپریالیست تکیه نماید و هیچگاهی ازین امر سرپیچی نکند، زیرا گسستن از این پیوند مرگ رژیم پوشالی را به همراه دارد.

اپوزیسیونهای درون رژیم گر چه از یکطرف به خاطر منافع خود و اربابان خویش گاه و بیگاه روبروی یکدیگر قرار میگیرند و جنایات شان را به رخ یکدیگر می کشند و بعضی اوقات تضاد شان به مرحله قتل و قتال هم میکشد اما از سوی دیگر همه متکی به نیروهای اشغالگر بوده و خواهان باقی ماندن نیروهای خارجی در داخل افغانستان هستند. ما این کشمکش و تضاد درون رژیم را در حادثه ای که در هرات اتفاق افتاده است پی می گیریم.

سید حسین انوری همراه سارنوال ولایت هرات تصمیم به زدن غلام یحیی (غلام یحیی یکی از قومندان های سابق جمعیت اسلامی است که بعد از رفتن به کوه به حزب اسلامی پیوسته است) میگیرند. یکی از سارنوالان ولایت هرات بنام سید فرید را که از قریه غلام یحیی بوده و هم پسرمامای زن جدیدش میباشد و در ضمن پسر کاکای فوزیه گیلانی وکیل پارلمان است وظیفه میدهند تا غلام یحیی را در باغش در سیاوشان به ساعت ۵ عصر بخواهد تا در محاصره شان افتاده زنده و یا مرده او را دستگیر نمایند. سید فرید به غلام یحیی تماس میگیرد و میگوید که چهار نفر آدم های پولدار را به باغ می آورد، او بیاید و همه را دستگیر نماید، به شرطی که از پول بدست آمده سهمیه او را هم بدهد. سارنوال مذکور مطابق به همین نقشه، چهار نفر از پولداران شهر را گرفته و به باغ به میله میرود. والی و سارنوال ارگانهای امنیتی را اطلاع میدهند

که قبل از ساعت ۵ عصر تمام راه های منتهی به باغ را بگیرند تا غلام یحیی به دام شان افتد. از جمله ارگانهای امنیتی یکی هم ریاست امنیت ملی هرات است. زمانیکه ریاست امنیت ملی اطلاع می یابد که این طرح برای زدن غلام یحیی است، فوراً با او در تماس میشود و جریان را میگوید. غلام یحیی ساعت ۲ بعد از ظهر بالای باغ حمله میکند. هر چهار نفر به شمول سارنوال پسرمامای زن جدیدش را با خود میبرد. موتر سارنوال را به دو نفر از موظفین خود میدهد تا به پایگاه برسانند. اما آن موتر بناء به عوارض تخنیکی در بین راه میماند و پولیسی که برای دستگیری غلام یحیی برای کمین آمده سر میرسد و آن دونفر همراه موتر سارنوال به دست پولیس میافتد که تا کنون زندانی اند. اراکین بلند پایه هرات چندین مرتبه با غلام یحیی تماس گرفته اند و خواهان تبادل افراد شده اند. غلام یحیی به استثنای سارنوال به تبادل دیگران حاضر شده. اما والی و سارنوال ولایت خواهان آزادی سارنوال فرید اند، اما تا کنون غلام یحیی حاضر به آزادی او نشده است.

این درد ها و رنج ها روز بروز بالای توده های زحمتکش فشار بیش از حد وارد می کند و توده ها را وادار به عکس العمل مینماید. یقیناً با بیرون شدن نیروهای اشغالگر طبل مرگ رژیم پوشالی به صدا در می آید.

یگانه راه بیرون رفت از چنگال این جنایت کاران فقط و فقط بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده از طریق برپایی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی تحت رهبری نیروی پیشاهنگ انقلابی است.

در سیاست دخالت نکنید !!!

همانجاعکس العمل نشان داده تظاهر کنندگان را مخرب و شورشی خوانده و از نیروهای امنیتی رژیم خواستار آن شد تا جلوشان را بگیرند و " نگذارند که امنیت عامه " را به خطر مواجه سازند.

در طول تاریخ افغانستان هر گاه توده ها و یا گروه های سیاسی بخاطر احقاق حقوق خویش علیه بیداد گری و ظلم و ستم ایستاده اند، فوراً سرپنجه " امنیت عامه " از آستین طبقه حاکمه بیرون شده، گریبان مبارزین را گرفته و آنها را روانه شکنجه گاه ها نموده است. به همین طریق

نکنند. اما زمانیکه روی خواست های برحق شان پناخیزند، آزمان علاوه بر آنکه عزیز نیستند، تخریب کار و ضد " منافع ملی " قلمداد شده و روانه محبس میگردند.

هشتم جوزای سال ۱۳۸۵ بیانگر این مدعا است. زمانیکه موتر امریکائی بیش از سی موتر افغانها را خراب نمود و بیش از صد نفر از هموطنان ما را کشته و زخمی ساخت، مردم برای دفاع از خود به تظاهرات پرداختند و خواهان محاکمه امریکائی ها شدند. آقای کزری که آن زمان در ایران بود، از

از زمان اشغال افغانستان و به کرسی نشاندن حامد کزری توسط اشغالگران، سرلوحه همه شعارهای رژیم دست نشانده برای متعلمین و محصلین اینست که: در سیاست دخالت نکنید! شخص کزری در تمام محافل روشنفکری حتی زمانیکه به پوهنتون و یا مکاتب میرود روی این نکته پافشاری دارد که: " عزیزانم تا میتوانید درس بخوانید و باز هم درس بخوانید، در سیاست دخالت نکنید، زیرا سیاست خوب کاری نیست. " محصلین و متعلمین تا زمانی نزد شاه شجاع سوم عزیز هستند که سیاست

هر زمانیکه منافع طبقاتی مرتجعین به خطر مواجه شود، از این سلاح استفاده نموده و جلو هر گونه جنبش را بخاطر حفظ مواضع ستمگرانه خویش سدی نمی‌نمایند.

امروز در افغانستان اشغالگران و رژیم پوشالی همیشه داد از "امنیت عامه" و "کرامت بشری" میزنند، در حالیکه خود شان همه روزه در امنیت عامه اخلاص نموده و کرامت بشری توده ها را پایمال می کنند. آنها امنیت و کرامت را فقط برای خود می خواهند، نه برای توده های ستمدیده افغانستان.

ما با کمال شهامت این اتهامات رژیم پوشالی و اشغالگران را که گویا دفاع از حقوق توده های ستمدیده امنیت عامه را به خطر مواجه می سازد رد نموده و با جرات می گوئیم که این تجاوز اشغالگران و حاکمیت رژیم پوشالی است که حقوق مردم افغانستان را پایمال نموده و موجبات اخلاص امنیت را فراهم نموده است. تا زمانیکه این عوامل طرد نگردند، تامین امنیت در افغانستان غیر ممکن است.

اگر از آقای کرزی سوال شود که شما سیاست نمی کنید؟ حتما میگوید که نه!! زیرا وی همیشه در بیاناتش محصلین را از سیاست منع می کند و می گوید که: "سیاست کار خوب نیست." او برای گول زدن روشنفکران می گوید که به همین خاطر دست به تشکیل کدام حزب سیاسی نزده است.

بلی! کرزی حزب سیاسی نساخته است، زیرا رهبری و گرداندگی اش در دست نیروی مقتدری چون سازمان جاسوسی امریکا می باشد. کسی که چنین سازمان مقتدری داشته باشد، دیگر نیازی به حزب سیاسی ندارد. باید پرسید که اگر کرزی سیاست نمی کند، این همه ارتش، پولیس و زندان های مخوف همراه با نیروهای اشغالگر برای چیست؟

یکی از خصوصیات رژیم های ارتجاعی این است که همیشه میکوشد توده های زحمتکش و بخصوص روشنفکران را از سیاست دور نگهدارند، زیرا اشتراک روشنفکران در سیاست، عظیم ترین خطر برای رژیم های ارتجاعی و بخصوص رژیم های دست نشانده میباشد. بدین ملحوظ با حيله و نیرنگ و با وسایل گوناگون سعی می ورزند تا جلو هرگونه فعالیت های سیاسی آنها را بگیرند. هرگاه روی نطق ها و سخنرانی های منسوبین قوای سه گانه (قوای مجریه، قوه مقننه و قوای قضائیه) رژیم پوشالی دقت شود بخوبی فهمیده می شود که تمام سعی

و تلاش آنها برای آنست تا توده های مردم و بخصوص روشنفکران را از دخالت و شرکت در سیاست دور نگه دارند.

رژیم دست نشانده به تمام دانشکده ها مکتوب ارسال نموده و اعلام کرده است که محصلین حق ندارند هیچگاه در سیاست دخالت نمایند. هرگاه رئیس پوهنتون بداند که کدما محصلی علاقه به امور سیاسی پیدا نموده و در داخل صنف بحث و گفتگوی سیاسی راه انداخته است، حق دارد که محصل را اخراج نماید و او را از تحصیل محروم کند. امروز در افغانستان، فعالیت سیاسی بیرون از چوکات رژیم دست نشانده بزرگترین جرم محسوب می گردد. رژیم دست نشانده همیشه در برابر فعالیت های سیاسی موانع ایجاد می کند و به توده ها از طریق تلویزیون ها توصیه می کند که سیاست کار مردم نیست، یعنی کار کسانست که بر کرسی های دولتی تکیه زده اند.

تاریخ بیانگر آنست که بسا وقت ها اگر کسی در کدما امر سیاسی مخالف حاکمیت ارتجاعی، اشتراک نموده، نه تنها خودش بلکه اعضای فامیلش مورد تهدید قرار گرفته و حتی در بعضی موارد تمامی اعضای فامیلش را نابود کرده اند. مثال بر جسته آن عبدالخالق است. وقتیکه عبدالخالق نادرگذار را کشت، نه تنها خودش بلکه تمام فامیل و حتی تمام اقوامش را اعدام نمودند. طبقه حاکمه بخاطر حفظ منافع خود و اربابانش به خود حق میدهد که از هیچ جنایتی فرو گذار نکند، اما به توده ها اجازه نمیدهد که از حقوق مشروع خود دفاع نمایند. حرکات شان را خلاف قانون و منافع ملی قلمداد نموده و آنها را به محاکمه می کشاند.

علت این امر روشن است. وقتیکه توده ها و بخصوص روشنفکران، بر مبنای منافع خود شان، در امور سیاسی شرکت جویند، مچ دست مرتجعین گرفته شده و در هر جا و هر محفل چهره خائنه شان افشا میگردد. واضح است که این امر با ماهیت طبقاتی - سیاسی طبقات ارتجاعی خوانائی نداشته و در تعارض قرار میگیرد. لذا مرتجعین عکس العمل نشان می دهند و تا جائیکه امکان دارد از طریق مسالمت آمیز (از راه قانون قلبی اش) از رشد آن جلوگیری می نمایند و زمانیکه از این شیوه نتوانستند مانع حرکات توده ها شوند، آن زمان از شیوه قهری (پولیس - ارتش و زندان) استفاده مینمایند. این امر در طول تاریخ افغانستان و بخصوص از دوره هفتم شورا به این طرف به خوبی اثبات گردیده که هرگاه انقلابیون، کارگران و یا توده ها و دهقانان بنا به خواست های مشروع سیاسی و صنفی شان حرکاتی انجام داده اند، طبقات ارتجاعی کوشیده

اند که آنها را از راه شان منصرف سازند و اگر از این طریق به هدف شان نرسیده اند، به کشتن، تبعید نمودن و زندانی ساختن مبارزین و زحمتکشان دست زده اند.

این شیوه به شدید ترین وجه از طرف رژیم دست نشانده حامد کرزی بالای مردم اعمال می شود. چنانچه رئیس اتحادیه کارگران افغانستان گفت:

"از سال گذشته بدین سو هجده پروژه به سکتور خصوصی واگذار شده و هجده هزار کارگر به جمع بیکاران افزوده شده است. (اخبار تلویزیون طلوع ساعت شش شام روز پنجشنبه ۱۲ ثور ۱۳۸۷) اما کارگران بیکار شده هیچگاه نتوانسته اند که روی خواست های شان پافشاری نمایند. آنها به خوبی میدانند که در صورت دست زدن به حرکت های اعتراضی، سرکوب قهری رژیم دست نشانده در کمین است. گرچه این کارگران برای یکمرتبه صدای اعتراض شانرا بلند کردند اما نتوانستند اعتراض شانرا بطور جدی پیگیری نمایند.

امروز کارگران بدون اینکه کدما مصئونیت داشته باشند، دسته، دسته از کار اخراج می شوند و جای شانرا کارگران خارجی اشغال می کند. رژیم پوشالی هیچ توجهی بحال توده ها ندارد. همه ساله هزاران نفر از فارغان صنوف دوازدهم از تحصیل باز می مانند و هزاران لیسانس بیکار می شوند. تمامی این بدبختی ها معلول سیاست اقتصادی - سیاسی رژیم دست نشانده است.

از زمانیکه افغانستان توسط امپریالیستها به رهبری امپریالیزم امریکا اشغال گردیده و رژیم دست نشانده را روی کار آورده اند و آهنگ بازسازی افغانستان را می نوازند، یکی از قرار داد های شان با رژیم دست نشانده این بود که پنجاه فیصد کارگران باید از کشورهای خارجی باشد. امروز هر کمپنی ای که در افغانستان کار می کند، نه پنجاه فیصد، بلکه هفتاد فیصد کارگران را از کشور خود به افغانستان می آورد. علت اینکه روز بروز خیل بیکاران افزود می گردد و مردم اجبارا به کشورهای همسایه، بطریق قاچاق و با مصارف هنگفت، روان می شوند، همین وابستگی و مستعمره بودن افغانستان به امپریالیستهاست.

امپریالیست ها، به دلایل گوناگون، منجمله به خاطر از بین بردن تورم و بحرانیهای داخلی خود شان، سائر کشورهای را مورد تجاوز و غارتگری قرار میدهند. روی این ملحوظ کارگران را از کشورهای خود و کشورهای وابسته شان، به

کشور مستعمره سرازیری کند و ماشین آلات و متخصصین شان را نیز به کار می اندازند. به این قسم عمده پول هایی را که به عنوان " کمک " ارسال می کنند، به انواع و اشکال مختلف پس میگیرند. کشورهای مستعمره را زیر خط فقر می برند و در نتیجه درد، رنج، بیکاری و فقر مردم در چنین کشور ها دایما افزایش می یابد. امپریالیستهای اشغالگر تنها به این کار راضی نبوده و میکوشند که تا توده های مردم را به بهانه های ملیتی، قومی و مذهبی به جان همدیگر بیندازند که ما از این

نمونه ها در افغانستان بسیار داریم. بدون مبارزه و دخالت در سیاست، بر مبنای منافع مردم، نجات یافتن از دست ستمگران امکان پذیر نیست. لذا جوانان با درک رسالت تاریخی شان نه تنها باید در مسایل سیاسی دخالت نمایند، بلکه باید سعی ورزند که متشکل شده و در پیوند با جنبش انقلابی جوانان تحت رهبری پیش آهنگ شان برای برپایی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی جدا تلاش نمایند، زیرا بدون متشکل شدن و دست زدن به مبارزه و مقاومت برای بیرون راندن

نیروهای اشغالگر خارجی و سرنگونی رژیم دست نشاند، بدست آوردن آزادی، استقلال و تامین رفاه مردم غیرممکن است. جوانان عزیز!

متشکل شدن و دخالت فعال در سیاست نه تنها حق شماست، بلکه یک امر ضروری و اجتناب ناپذیر برای رهائی تان از چنگال ستمگران و جنایتکاران است. پس هر چه زود و با تلاش فراوان متشکل شوید تا بتوانید فعالانه به مبارزه و مقاومت دست بزنید.

پیام همبستگی

اعتصاب دریوران ولایات کشور را قاطعانه پشتیبانی کنیم و اعتراض خویش را به مقاومت ملی مردمی و انقلابی در جهت طرد تجاوز اشغالگران تبدیل نماییم

ملت شریف و آزاده!

امروز چهارمین روز از اعتصاب عمومی دریوران اکثریت ولایات کشور در مسیر شاهراه هرات- قندهار میباشد. اعتصابی که در اعتراض به عدم امنیت شاهراه به وجود آمده است، اعتصابی که بخاطر اختطاف دوازده تن از دریوران وسایط سنگین در مسیر گله میخ ولایت فراه و مسیر شیندند بوقوع پیوسته است، اعتصابی که از بلا تکلیفی پنج تن از دریوران اختطاف شده ناشی شده است و اعتصابی که در اعتراض به عملکرد دولت دست نشاند به راه افتاده است.

طبق گفته های نماینده گان اعتصاب، ۷ نفر از جمله دوازده تن از دریوران اختطاف شده در مقابل پول آزاد شده اند، ولی سرنوشت پنج تن دیگر بلا تکلیف و نامعلوم باقی مانده است. دریوران ولایت هرات و سایر ولایات کشور بخاطر اعاده حق امنیت و آزادی خویش در مسیر شاهراه هرات - قندهار دست به اعتصاب عمومی زده اند و این شاهراه را از مدت چهار روز به این طرف مسدود کرده اند تا بتوانند صدای اعتراض شان را به گوش جهانیان برسانند.

در طی این چهار روز نه تنها دولت هیچ گونه توجه جدی به مسئله نداشته است بلکه سکوت اختیار کرده است. همچنان به قول نماینده گان اعتصاب، دولت از مدت شش ماه به این طرف اصلا به حرفهایشان گوش نداده و با وعده های سرخرمن همه وقت آنها را فریب داده است.

مافیایی به وجود آمده است و آنها میتوانند با وجود چنین رژیم پوشالی و زمینه های مساعدی که برای شان بوجود آمده دست به هر عمل جنایتکارانه ای بزنند. بدون شک عاملین این جنایات باندهایی اند که توسط خود رژیم دست نشاند مسلح، حمایت و پشتیبانی میشوند و از طرف دیگر با باند های مافیایی بین المللی در رابطه تنگاتنگ قرار دارند.

بدین اساس چگونه از چنین رژیمی می توان توقع رسیدگی به منافع علیای توده ها را داشت. بدون شک همانطوری که اعتصابات افسران نظامی، اعتصابات پر دامنه استادان و معلمین مکاتب در گوشه و کنار کشور از طرف رژیم سرکوب شده و مورد هیچگونه رسیدگی قرار نگرفتند، اعتصاب دریوران شاهراه هرات قندهار نیز به همین سرنوشت دچار خواهد شد.

بدین اساس فقط یگانه راه حل مشکلات را میتوان در بیرون راندن نیروهای اشغالگر خارجی از کشور و سرنگونی رژیم دست نشاند حامد کرزی و به وجود آوردن دولت مردمی ای که متکی به توده ها بوده و منافع علیای آنرا در نظر داشته باشد، دانست.

جنایات شش و نیم ساله امپریالیست های اشغالگر و رژیم دست نشاند در افغانستان، کوه بینی و سفاهت سیاسی کسانی را مجدداً به اثبات میرساند که فکر میکردند امپریالیزم دایه ای مهربانتر از مادر شده است، درحالیکه برعکس، امپریالیست ها هر جایی که پا

باید خاطر نشان ساخت که دولت دست نشاند نه تنها قادر به رسیدگی و حل مسئله نیست بلکه حتی این موضوع را نه میتواند و نه هم میخواهد مورد بازنگری قرار دهد! دولت دست نشاند حامد کرزی خود عامل کشتار ددمشانه توده های ستمدیده کشور و مردمان بی دفاع این سرزمین است. امپریالیست های تجاوزگر به سرکردگی امپریالیزم لجام گسیخته امریکا ادعا دارند که یکی از دستاوردهای لشکر کشی شان به افغانستان، تامین امنیت در این کشور است، حال آنکه در واقعیت تجاوز و اشغالگری عامل اصلی تمامی جنایات مرتکب شده از طرف رژیم دست نشاند و اربابان اشغالگرش میباشد. قوت های ۳۷ کشور امپریالیستی و ارتجاعی خارجی به خاطر تامین رفاه و آسایش مردمان ما به این سرزمین قدم نگذاشته اند، بلکه بخاطر سرقت و غارت ثروت ها و بلعیدن گوشت و مکیدن خون میلیونها توده بی دفاع برای رسیدن به اهداف شوم امپریالیستی شان در این سرزمین " قدم رنج " فرموده اند. تمامی جنگ های غیر عادلانه ارتجاعی، تجاوزگری ها، قتل عام ها، غارتگری ها، پخش مواد مخدر، تجارت زنان و کودکان و غیره و غیره همه را میتوان " دستاوردها " و " ثمرات " نظام امپریالیستی حاکم بر جهان دانست. این جنایات وحشتناک یکی از ضمایم بلا فصل کارکرد خون آشامانه سرمایه مالی است.

از زمان به وجود آمدن دولت دست نشاند حامد کرزی زمینه های مساعدی برای باندهای

بگزارند، امنیت، آزادی و دموکراسی را ریشه کن کرده و انقیاد و بردگی را به همراه می آورند. تا زمانیکه نیروهای اشغالگر از کشور اخراج نشوند، دولت دست نشانده و مزدوران بومی امپریالیست ها سرنگون نگردند، تامین استقلال کشور به دست توده های زحمتکش صورت نگیرد و اهداف انقلاب دموکراتیک نوین در افغانستان تحقق نیابد، مشکلات اساسی توده ها همچنان بحال خود باقی خواهند ماند. تا زمانیکه این اژدهای گرسنه که خون میلیونها هموطن بی دفاع را بی مهابا به مکیدن گرفته و در جهت تامین منافع شوم امپریالیستی اش توده های زحمتکش، منجمله جوانان را به قربانگاه می فرستد، از میان نرود، نمی توان منابع سرشار این وطن را در جهت منافع توده های مردم مورد استفاده قرار داد، نمیتوان سیستم اقتصادی سالم و عادلانه ای را که بتواند معیشت زندگی میلیونها انسان زحمتکش را تامین نماید به وجود آورد، اقتصادی که پایه اصلی آن خصوصاً در کشوری

مانند افغانستان همانا حل معضله آب و زمین به نفع دهقانان است. بدین اساس وظیفه هر فرد انقلابی، ملی و دموکرات است که برای طرد تجاوز بکوشد و امپریالیست های اشغالگر و رژیم دست نشانده را به مثابه عاملین و حاملین اصلی جرایم و جنایات، بی خانمانی، فقر و فاقه و بی امنیتی نزد توده ها افشاء نماید. نیروها و شخصیت های انقلابی، ملی و دموکرات وظیفه دارند توده های زحمتکش را آگاهی دهند که بدون سازماندهی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی، رهایی از یوغ امپریالیست های اشغالگر و حاکمیت دست نشانده خائن ملی ممکن و میسر نمیگردد. فقط با دسترسی به این هدف سترگ یعنی طرد اشغالگران امپریالیست، سرنگونی مرتجعین و ایجاد جامعه نوین است که امنیت واقعی برای توده ها فراهم میگردد. جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان این حرکت

مقتدرانه در یوران را قاطعانه پشتیبانی می کنند و موفقیت و پیروزی آن را، موفقیت و پیروزی خود می دانند و تبلیغ برای آنرا یک مسئولیت جدی مبارزاتی خود به حساب می آورند. ولی در عین حال یادآور می شوند که مبارزه در راه تامین حقوق بر حق در یوران باید توسط یک کانون غیر وابسته و مستقل از رژیم یعنی اتحادیه واقعی در یوران به پیش برده شود. زنده باد مبارزات و اعتصابات فشرده در یوران و زحمتکشان!
به پیش بسوی برپایی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی!

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

و

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

۵ سرطان ۱۳۸۷

اعلامیه شماره دوم

از مبارزات برحق در یوران ولایات کشور قاطعانه دفاع کنیم و دامنه اعتراضات خویش را به مقاومت ملی مردمی و انقلابی در جهت تامین امیال توده ها و طرد تجاوز تبدیل نماییم!

ملت شریف و آزاده!
به تعقیب اعلامیه شماره اولی که در حمایت و پشتیبانی از اعتصاب برحق در یوران ولایات کشور در مسیر شاهراه هرات - قندهار پخش شد، "جنبش انقلابی جوانان افغانستان" و "دسته هشت مارچ زنان افغانستان" وظیفه خود میدانند تا کماکان از این اعتصاب همگانی در یوران حمایت و پشتیبانی نماید.
امروز دوازدهمین روز از تجمع اعتراضی در یوران شاهراه هرات قندهار در منطقه میر داماد ولایت هرات میباشد. این اعتصاب همگانی که بخاطر عدم امنیت در شاهراه ها براه افتاده است، کماکان بر قوت خود باقی است. این اعتصاب به تعقیب اختطاف عده ای از در یوران وسایط سنگین در مسیر گله میخ ولایت فراه و مسیر شیندند بوقوع پیوسته است، این اعتصاب به خاطر چور و چپاول اموال و دارائی های مورتدازان وسایط سنگین، لت و کوب، اختطاف و تهدید در یوران توسط ارادل و آدم ربایانی که خود توسط رژیم دست نشانده مسلح، حمایت و

بشر، سازمان ملل متحد و سائر خونخواران و حیلہ گران را به نمایش بگذارد.
رژیم دست نشانده در قبال این اعتصاب مهرسکوت بر لبانش زده و آن را به حال خودش رها ساخته تا باشد که در یوران ازین اعتصاب خسته شده و بدون اخذ کدام نتیجه شاهراه را باز نمایند. از طرف دیگر کمیسیون حقوق بشر نیز اصلاً به این مسئله بهاء نداده است. البته روشن است که ما هم نباید توقع دیگری ازین نهاد های پوشالی داشته باشیم.
رسانه ها و مطبوعات وابسته به رژیم نیز از تبلیغ در مورد این اعتصاب و نشر گزارشات آن سرباز زده اند. حتی رسانه های غیردولتی نیز اجازه پخش گزارشات این اعتصاب را ندارند. بطور نمونه یک رادیوی غیر دولتی زمانیکه میخواست گزارشات گرفته شده از اعتصاب را پخش نماید، با سانسور جدی دولت مواجه شد و نتوانست گزارشات را تا به آخر پخش نماید.
دولت پوشالی که دم از آزادی و دموکراسی و همچنان آزادی بیان در جامعه مستعمره - نیمه فئودال افغانستان میزند حتی توان تحمل پخش

پشتیبانی میشوند و از طرف دیگر با مافیای بین المللی در رابطه تنگاتنگ قراردارند، به راه افتاده است. این اعتصاب بخاطر رشوه ستانی های بی حد و اندازه قوماندانان پوسته های امنیتی در مسیر شاهراه بوجود آمده است، این اعتصاب بخاطر عدم توجه جدی "دولت" در حصه تامین خواسته های برحق در یوران و زحمتکش شاهراه ها بر پا شده است. این اعتصاب بخاطری براه افتاده است تا برای جهانیان نشان داده شود که مردمان ستمدیده ما تا چه حدی میتوانند از حقوق حقه خویش به دفاع برخیزند. این اعتصاب بخاطری براه افتاده تا نشان داده شود که "دولت" در حصه توجه به مورتداران و زحمتکشان افغانستان تا چه اندازه بی تفاوت است. این اعتصاب بخاطری براه افتاده تا نشان داده شود که دولت پوشالی حامد کرزی تا چه حد در فساد اداری غرق میباشد! این اعتصاب بخاطری براه افتاده که رنج زحمتکشان را علم نماید. این اعتصاب بخاطری براه افتاده که نقش دولت، کمیسیون حقوق

گزارشات از اعتصاب بر حق دریوران را هم ندارد، چه رسد به تظاهرات ها و میتینگهای سیاسی در جهت تامین امیال توده ها و پخش گزارشات اینگونه تظاهرات ها و میتینگ ها. طبق گزارشات گرفته شده، تا حال " دولت " ادعا دارد که ۳۵ نفر را از پوسته های امنیتی شاهراه هرات - قندهار خلع سلاح نموده است. اما نماینده گان اعتصاب این ادعای " دولت " را رد میکنند و از عدم رسیدگی جدی به مسئله خبر میدهند! دریوران و سایط سنگین کماکان بر ادامه اعتصاب خویش پافشاری دارند و از باز نمودن شاهراه تا زمان حل عملی مشکلات شان، ابا می ورزند. ما امیدواریم که زحمتکشان افغانستان بتوانند بر تحکیم هرچه بیشتر وحدت مبارزاتی

خویش کوشش کنند که مبارزات شان را در مسیر مقاومت ملی مردمی و انقلابی در جهت طرد تجاوز و اشغالگری و سرنگونی رژیم دست نشانده به حرکت درآورند. جنبش انقلابی جوانان افغانستان و دسته هشت مارچ زنان افغانستان، همبستگی مبارزاتی قاطع دریوران را ستایش نموده و این حرکت مقتدرانه شان را مجددا پشتیبانی میکنند و یاد آور میشوند که باید کوشش به عمل آید تا در راه تامین حقوق بر حق دریوران یک کانون غیر وابسته و مستقل از رژیم یعنی اتحادیه واقعی دریوران تاسیس و مبارزات شان توسط این کانون غیر وابسته دولتی به پیش برده شود. موفقیت و پیروزی اعتصاب جاری را، موفقیت و پیروزی خود می دانیم و تبلیغ برای آنرا یک

مسئولیت جدی مبارزاتی خود به حساب میاوریم.

زنده باد مبارزات و اعتصابات فشرده دریوران و زحمتکشان!

به پیش بسوی برپایی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی

"جنبش انقلابی جوانان افغانستان"

و

"دسته هشت مارچ زنان افغانستان"

۱۲ سرطان ۱۳۸۷

گزارشی از

اعتصاب همصدا، یکپارچه و متحد دریوران در مسیر شاهراه هرات - قندهار

براساس تازه ترین گزارشهای رسیده، شاهراه هرات - قندهار که از تاریخ اول سرطان به روی و سایط نقلیه مسدود گردیده بود، بالاخره به تاریخ دوازدهم سرطان باز شد. دوازده روز اعتصاب جمعی دریوران باعث شد تا دولت دست نشانده بالاخره از خودش عکس العمل نشان دهد و مجبور شد سه وزیر کابینه را همراه احمد ضیاء مسعود معاون اول کرسی بخاطر حل معضله اعتصاب کننده گان به هرات اعزام نماید.

البته آمدن سه وزیر کابینه به همراه معاون اول کرسی چیز دیگری در قبال نداشت جز اینکه تاکید بر حرفهای قومندان قول اردوی ظفر به عمل آید. وعده هایی را که قبلا قومندان قول اردوی ظفر هرات به دریوران در حصه تامین امنیت شاهراه داده بود از طرف معاون کرسی و وزراء تایید شد و آنها وعده دادند که در مسیر شاهراه هرات - قندهار دریوران دیگر به چنین معضلاتی برخورد نخواهند کرد.

بینیم که اعتصاب در اصل از کجا شروع میشود؟ براساس گفته های یکی از نمایندگان اعتصاب بنام " معلم بنیامین " دریوران از شش ماه به این سو یعنی از اوایل زمستان ۱۳۸۶ الی ختم برج جوزای ۱۳۸۷ چند مرتبه به مقامات امنیتی گزارش اختطاف، دزدی و غارت اموال، باجگیری های ممتد پوسته های امنیتی در مسیر شاهراه و عدم واکنش دولت در حصه تامین امنیت در این مسیر را یادآوری کرده اند،

ولی نه تنها دولت هیچگونه اقدامی به این ارتباط نداشته است، بلکه به کلی نسبت به آن بی تفاوت عمل نموده است. وی ادعا داشت که سیزده تن از دریوران در مسیر شاهراه هرات - قندهار اختطاف شده اند و بیشترین این آدم ربایی ها در دو نقطه تمرکز داشته، یکی در منطقه " گلگه میخ " ولایت فراه و دیگری در منطقه " شیندند " ولایت هرات، که ۸ تن در مقابل پول رها شده اند ولی متباقی کماکان



بلا تکلیف هستند.

وی میگفت که: " ما به اعتصاب مصالمت آمیز دست زده ایم و این عملکرد ما وجه دیگری غیر از خواسته های بر حق دریوران را در پی ندارد. " وی ادامه داد: " ما فقط میخواستیم صدای مان را به گوش دولتمردان افغانستان برسانیم که حداقل به فکر ملت ستمدیده و درد کشیده خود هم باشند. " وی میگفت " ما وقتی دیدیم که دولتمردان افغانستان نه تنها عکس العملی

در قبال خواسته های ما نشان ندادند بلکه کاملاً آنرا نادیده گرفتند و اصلاً بی تفاوت عمل کردند ما هم مجبور شدیم تا کلیه دریوران را در یک محل مناسب تجمع داده و کلیه موترهای باری دیگر را که از مسیر در رفت و آمد هستند به خود ملحق نماییم تا بتوانیم حداقل خواستی که داریم به آن رسیدگی شود. " وعده وعیدهایی که برای اعتصاب کنندگان داده شد صرف بخاطر شکستن این اعتصاب است زیرا دولت نه می خواهد که امنیت را در سراسر مسیر شاهراه هرات - قندهار تامین کند و نه هم قادر به انجام آن است!

نمونه های بارز این عدم خواست و ناتوانی را میتوان در شش و نیم سال گذشته به خوبی مشاهده کرد. یکی از این نمونه های بارز در همین هشتم ثور امسال اتفاق افتاد. در بیخ گوش کرسی در ساحه برگزاری به اصطلاح جشن برگزاری مراسم هشت ثور، فقط با فیر چند مرمی سلاح سبک، قوای امنیتی دولت دست نشانده پا به فرار گذاشت. از طرفی اوضاع امنیتی سمت جنوب، جنوب غرب و جنوب شرق کشور روزانه بیشتر از پیش وخیم ترمی شود.

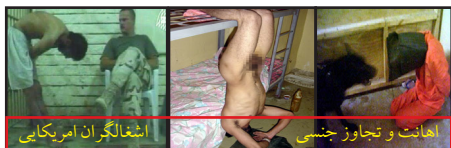
رادیوی بی بی سی در ارتباط با همین اعتصاب مصاحبه ای با جنرال اکرام الدین یاور قومندان زون پولیس در هرات داشت، قومندان زون در این مصاحبه گفت که:

" بالاخره بعد از آمدن حکم رئیس جمهور ما

میگردد و اشغالگران امپریالیست کشورشان را تصرف میکنند، مردمان آنرا به اسارت میکشند و حق حاکمیت این مردمان را بر سرنوشت خود شان و سرنوشت کشور شان از بین می برند، چنین کشور و چنین مردمانی امنیت ملی شان را از دست میدهند. در چنین صورتی حتی اگر به اصطلاح امنیت هم برقرار گردد باز هم امنیت در اسارت و بردگی ملی است! امنیت در انقیاد و غلامی است! و امنیت در فقدان استقلال و آزادی ملی است! واضح است که چنین امنیتی، امنیت نیست، بلکه ناامنی نفرت انگیز و غیر قابل پذیرشی است که برای طرد آن، مردمان آزاده و سرفراز از جان و مال و خانواده و هر چیز دیگر شان میگذرند، تا شرافت ملی و عزت انسانی شان را و به بیان دیگرگراستقلال و آزادی شان را پاسداری نمایند.

این چنین "امنیت" یعنی اینچنین ناامنی نفرت انگیز و غیر قابل پذیرشی امروز در افغانستان وجود دارد. اعتصابات صنفی نمیتواند جلوی این ناامنی را بگیرد و نخواهد توانست خط و مشی سیاسی اشغالگران و دولت دست نشانده را تغییر دهد. کسی که از روحیه استقلال خواهی و آزادی طلبی برخوردار باشد، منکر این حقیقت انکار ناپذیر نمیتواند شود.

ما از اعتصاب دریوران ولایات کشور قاطعانه پشتیبانی نمودیم. اما نکته ای را که باید یادآور شویم این است که این اعتصابات را باید در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده حاکم سمت و سوی واحدی بیابند. باید با مشت های گره کرده خود یکصدا فریاد بر آریم که: "ما مردمانی هستیم که در کشور خودمان و در خانه و کاشانه خودمان، از طرف یانکی های امپریالیست و اشغالگری که از آنسوی دنیا آمده اند، زندانی می شویم، اسیر می شویم، توهین و تحقیر می شویم، مورد شکنجه قرار می گیریم، زنان و مردان ما و حتی مردان مسن و سالخورده ما در زندان های کثیف اشغالگران امریکایی در کشور مورد اهانت و تجاوز جنسی قرار می گیرند. بنابراین قبل از همه



اشغالگران امریکایی

اهانت و تجاوز جنسی

و مهم تر از همه دنبال یک راه باید بگردیم و آن تامین استقلال و آزادی کشور از طریق پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و دولت دست نشانده حاکم فعلی است.



اجراآتیی را که طور شاید و باید آتی لازم بود انجام دادیم. ما سه پوسته غیر مسئول را لغو کردیم. به تعداد ۳۵ تن را از صف پولیس کشیدیم که یک تعداد شان عمل هیروئن داشتند. همچنان به تمامی پوسته ها گوش زد نمودیم، در صورتیکه خواسته های دولت را جوابگوناباشند، قانون و مقررات نظام را در نظر نداشته باشند و مشکلات مردم را بیشتر کنند؛ ما آنان را از صفوف پولیس بیرون میکنیم. در حکم صادر شده از طرف رئیس جمهوری تاکید شده بود که این عاملین باید بازداشت و از صفوف پولیس اخراج شوند که ما هم طبق هدایت عمل نمودیم و ۳۵ تن را از صف پولیس اخراج کردیم تا باشد امنیت بهتری در مسیر شاهراه تامین شود."

حاجی عبدالرحیم، یکی از نمایندگان اعتصاب کنندگان، نیز با تایید حرفهای جنرال اکرام الدین یاور گفت که:

"فعلا فقط اعتصاب موترهای باربری ادامه دارد. اعتصاب موترهای مسافربری پریروز حل شده، یعنی پریروز ساعت سه حل شده و دولت گفته که سی و پنج تن را خلع سلاح کرده و تعداد دیگری را نیز خلع سلاح خواهد کرد. بالاخره بعد از آمدن حکم رئیس جمهور به تعداد سه پوسته پولیس را لغو کردند. انسانهای غیر معقول بودند. مردمان دزد ثابت شدند و هیروئینی بودند. برای مان وعده داده شده که اگر مشکلات اهالی رایبشتر کنند بازداشت خواهند شد."

درست است که دولت وعده وعیده هایی را برای دریوران داده است و کارهایی نیز انجام داده است. اما این وعده ها و کارها نه دردی را دوا می کند و نه هم معضله را حل خواهد کرد، زیرا دستگیری این ۳۵ نفر و تبدیل و یا خلع سلاح و اخراج شان باعث رونق مسائل امنیتی نمیگردد چرا؟ چون کسان دیگری که به عوض این افراد تعیین شوند عین کارهای آن ها انجام خواهند داد. مسئله امنیت شاهراه صرف با خلع سلاح این ۳۵ نفر حل و فصل نمی گردد. ناامنی به تمامی جاها ریشه دوانده است و تمامی کسانیکه در اردو و پولیس پوشالی شامل هستند یا معتاد اند و یا اینکه غرق در فساد!

مهم تر از اینها، مسئله عمده در موضوع امنیت برای یک کشور و مردمان آن، امنیت ملی شان است. امنیت ملی یعنی تامین استقلال و تمامیت ارضی کشور و تامین آزادی ملی و تامین حاکمیت ملی مردمان کشور. وقتی امنیت ملی یک کشور و مردمان آن کشور پامال

بمباران هوایی خود سرانه نیروهای اشغالگرایمپریالیست در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار را به شدت تقبیح نماید!

ملت شریف و آزاده!
تاریخ چند هزار ساله این مرز و بوم حاکی است که مردمان ساکن درین دیار مداوما علیه متجاوزین و اشغالگران خارجی دست به مبارزه و مقاومت زده و به هیچ یکی از آنان اجازه نداده اند که تا آخر به تجاوز و اشغالگری شان ادامه دهند. سه جنگ افغان و انگلیس در کشور و جنگ مقاومت در مقابل سوسیال امپریالیستهای روسی آخرین نمونه های تاریخی این سلسله طولانی مقاومت و مبارزه علیه تجاوز و اشغال خارجی محسوب می گردند.

ولی آیا امروز کار به جایی رسیده که همه باید قفل خموشی بردهان خود زنی و سکوت مطلق اختیار کنیم؟ بگذاریم تا جانیان سفاک خون آشام بومی و خارجی به سرکردگی امپریالیستهای یانکی هرآنچه میخواهند انجام دهند؟ هرظلم و تجاوزی که بالای توده های ستمدیده این دیار به عمل می آورند، با دو چشم باز خود خیره خیره نگاه کنیم و حتی صدای اعتراضی بلند نکنیم؟ نه هرگز چنین نیست و هرگز نباید چنین باشد.

بمباران های خود سرانه اشغالگران خون آشام در گوشه و کنار کشور با گذشت هر روز شدید تر می گردد، ولی دولت دست نشاند، پوشالی و خائن به وطن کماکان دست روی دست گذاشته و به تماشای کشتار کودکان، زنان و مردان بیگناه این سرزمین می نشیند. دولت دست نشاند حامد کرزی، این شاه شجاع سوم، با کمال بی همتی در تبلیغات رسانه ای اش بمباران هوایی خودسرانه نیروهای امریکایی را در گوشه و کنار کشور تقبیح میکند. اما یک روز هم نخواسته و نتوانسته تا اینچنین حرف های خود را جامه عمل پوشانیده و عملا برای توقف این بمباران ها دست به اقدام بزند.

چرا؟ زیرا صلاحیت این کار را ندارد! دولتی که کاملا در اختیار امپریالیستها باشد و به نفع اربابان خارجی اش کار نماید، نمی تواند علیه آنها دست به اقدامی بزند. دولتی که بی مهابا اعتصاب برحق دریوران را سرکوب میکند و سپس آنها را بیشتر از گذشته تحت

فشار میگیرد، دولتی که آگاهانه اعتصاب معلمین را به خاک و خون میکشد تا صدای هرگونه اعتراض در گلو خفه شود، دولتی که با کمال بی شرمی از اشغال میهن به دفاع برمی خیزد و وجود نیروهای اشغالگر ۳۷ کشور امپریالیستی و ارتجاعی را در کشور گامی به سوی ترقی جامعه میندازد، دولتی که هزاران جنایت را مرتکب میشود، از کشت و قچاق روز افزون مواد مخدر در پس پرده پشتیبانی میکند، قچاق زنان و کودکان را جلوگیری نمی کند و جلوگیری کرده نمیتواند، تجاوز به زنان در درون زندانهای کثیفش روز افزون است، مردسالاری و زن ستیزی را تقویت مینماید، خود دشمن عمده داخلی است و در خدمت دشمن و دشمنان عمده خارجی قرار دارد. از چنین دولتی نمی توان توقع داشت که کوچکترین اقدامی علیه متجاوزین و اشغالگران خارجی به عمل آورد.

دولت بی حیثیت کرزی، این عروسک دست نشاند امپریالیستها، هیچ وقت نخواسته و نتوانسته به نفع توده ها کاری انجام دهد و نباید توقع چنین کاری را از وی نمود! امروزه اگر ما شاهد " پیشرفت هایی " در اقتصاد کشور هستیم باید متوجه باشیم که این پیشرفت ها کاملا کذائی بوده و در خدمت اشغالگران امپریالیست قرار دارد. اینها همه خاک به چشم مردم زدن است، اینها همه دامهای فریبنده ای بیش نیستند و برای اغوی مردمان ستمدیده این دیار به کار گرفته میشوند.

به تاریخ سوم سرطان ۱۳۸۷، تظاهراتی در تقبیح بمباران هوایی خودسرانه نیروهای یانکی در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار به راه افتاد. این تظاهرات بخاطری براه افتاد که در اثر بمباران هوایی نیروهای اشغالگر، افراد ملکی و غیرنظامی به خاک و خون کشیده شده بودند. شاهدان عینی ادعا داشتند که در اثر بمباران هوایی نیروهای امریکایی دو پسر و پدر کشته شده اند. مردم ادعا داشتند که ما بخاطری صدای اعتراض خود را بلند می کنیم که این دولت نه توان برقراری

امنیت را دارد و نه هم به فکر مردم ستمدیده کشور است! این دولت نه میخواهد و نه هم توان برقراری رفاه همگانی را دارد! مردم ادعا داشتند که این تظاهرات را بخاطری براه انداخته اند تا صدای شان را به گوش جهانیان برسانند و این بمباران را تقبیح نمایند و بگویند که دیگر این همه جور و ظلم و تعدی بس است! این تظاهرات تا عصر همان روز ادامه داشت و بدون خشونت خاتمه یافت.

اما دولت دست نشاند بجای اینکه دردهای ستمدیدگان را التیام بخشد، درست ده روز بعد از این واقعه یعنی به تاریخ ۱۳ سرطان ۱۳۸۷، ولسوالی خوگیانی مورد بمباران بسیار شدید تر از قبل قرار میگیرد که تعداد تلفات آن به ۱۸ کشته و ۲۳ زخمی میرسد. خانه ها ویران می شوند و مردم اجبارا به کوچ دسته جمعی اقدام میکنند. این عملکرد دولت صدای هرگونه اعتراض را به شدت در گلوها خفه نمود و دیگر صدایی از ولسوالی خوگیانی بلند نگردید.

مرگ بردولت دست نشاند!

مرگ بر اشغالگران امپریالیست!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان، با تاتر فراوان از وقوع این حوادث غم انگیز، با پشتیبانی همه جانبه از مردمان ستمدیده ننگرهار و سایر مناطق کشور، اعمال جنایتکارانه امپریالیستهای اشغالگر را تقبیح مینماید و یکبار دیگر تعهد میسپارد که در مبارزه و مقاومت بخاطر طرد اشغالگران از کشور و سرنگونی رژیم دست نشاند، از هیچگونه تلاش مبارزاتی و جانفشانی و فداکاری دریغ نوزد.

مرگ بر امپریالیزم و ارتجاع!

مرگ بردولت دست نشاند حامد کرزی این شاه شجاع سوم!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۱۴ سرطان ۱۳۸۷

دو حمله ناجوانمردانه امپریالیستها را تقبیح کنیم

و

خشم و انزجار خود را به مقاومت ملی مردمی و انقلابی تبدیل نماییم

حملات هوایی نیروهای یانکی بر مجالس عروسی در ولایات ننگرهار و کنر باعث کشتار بیرحمانه مردمان ستمدیده کشور گردید.

امروز ۱۶ سرطان ۱۳۸۷ بازهم شاهد خونین ترین حمله خود سرانه نیروهای متجاوز و اشغالگر امپریالیستی بالای مردمان بیگناه این خطه میباشیم.

حمله موشکی نیروهای ائتلاف "بین المللی ضد تروریسم" بر یک مجلس عروسی در ولایت ننگرهار جان تعدادی از مردمان ستمدیده این کشور را گرفت. در این حمله به تعداد ۵۱ تن که از جمله ۳۴ زن و کودک و متباقی مردان جوان ملکی میباشند کشته شده اند و به تعداد ۲۸ تن دیگر زخمی گزارش شده است.

"همیشه گل" فرمانده نظامی منطقه "ده بالا" در ولایت ننگرهار با تأیید این گزارش به خبرگزاری فرانسه گفته است افرادی که مورد حمله راکتی طیارات جنگی امریکایی ها قرار گرفته اند همه ملکی بوده و مهمانداران مجلس عروسی بوده اند که در ختم مجلس عروسی به طرف خانه داماد روان بودند.

همچنان یکی از مجروحین که در شفاخانه مرکزی جلال آباد بستری میباشد به خبرگزاری آسوشیند پرس یاد آور شد که تمامی کشته شدگان از یک گروه ۸۰ الی ۹۰ نفری بوده اند که بعد از اختتام مجلس عروسی راهی خانه داماد بودند اما متأسفانه که مورد هدف نیروهای امپریالیستی قرار گرفته اند.

نیروهای امپریالیستی اشغالگر هیچ وقت ادعا های مستند افراد را قبول ندارند. در مصاحبه با رادیو فرانسه، "تورن کریستین پترسون"، از سخنگویان نظامی نیروهای ائتلاف در افغانستان می گوید او هیچ گزارشی در باره کشته شدن غیر نظامیان در

این حمله دریافت نکرده است. تورن پترسون به خبرگزاری فرانسه گفت: "این یک عروسی نبوده است. هیچ زن و کودکی حضور نداشته است."

بر علاوه، همزمان با این حمله موشکی بر مجلس عروسی در منطقه ده بالای ولایت ننگرهار، حمله راکتی دیگری توسط هلیکوپترهای نظامی نیروهای اشغالگر امپریالیستی بالای ولایت کنر رخ داده است.

در این حمله که بالای یک مجلس عروسی در ولایت کنر رخ داده حدود ۱۵ نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی گردیده اند. یکی از شاهدان عینی که نخواست نامش فاش شود از محل وقوع حادثه چنین گفت: "زمانیکه عروس و داماد را دست به دست نمودیم هلیکوپترهای نظامی امریکا سر رسید و مجلس ما را به مجلس ماتم مبدل کرد."

در عین حال مقام های نظامی امریکا بارد این گزارش گفته اند که تلفات این حمله شامل شورشیانی بوده اند که در حمله راکتی به یکی از مقرهای سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) دست داشته اند و مدعی اند که درین حادثه هیچ غیر نظامی کشته نشده است.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان جنایات هولناک اشغالگران امپریالیست را در این دو منطقه (ننگرهار و کنر) و سایر مناطق محکوم نموده و از مقاومت مردمان مناطق مختلف کشور پشتیبانی مینماید.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان تعهد راسخ خود را با مردمان ستمدیده و توده های بی دفاع این کشور هر چه بیشتر مستحکم و آهنین نموده و تا بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی، همپای تمامی مردمان رزمجوی این کشور حرکت نموده و از مقاومت

ها و مبارزات بر حق آنها بر مبنای خط مقاومت ملی مردمی و انقلابی پشتیبانی کامل می نماید.

جنبش انقلابی جوانان افغانستان تمامی جوانان افغانستانی را به خروج شجاعانه و رزمجویانه از زیر درفش اردو و پولیس رژیم پوشالی، ترک بی تفاوتی ها و فرار طلبی ها از مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و دست نشانندگان شان و شرکت در مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و خائنین ملی فرامی خواند. ما از تمامی روشنفکران کشور درخواست می نمائیم تا یکصدا با جنبش انقلابی جوانان افغانستان، دست اتحاد و وحدت مبارزاتی خویش را به هم داده و از حرکت های سکتاریستی و فراکسیون بازی های سیاسی جلوگیری به عمل آورند و در جهت شگوفایی مبارزاتی هر چه بیشتر نیروی پیش آهنگ انقلاب در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی و تقویت هر چه بیشتر این مقاومت از جان و دل با ایثار و فداکاری و همبستگی مبارزاتی به پیش حرکت کنند.

مرگ بر اشغالگران امپریالیست!

مرگ بر رژیم پوشالی!

به پیش در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی!

جنبش انقلابی جوانان افغانستان

۱۶ سرطان ۱۳۸۷

گزارش مختصری از حمله انتحاری به سفارت هند در کابل

سه شنبه: ۸ جولای ۲۰۰۸ مطابق ۱۸ سرطان ۱۳۸۷

انفجار انتحاری روز دو شنبه ۱۷ سرطان ۱۳۸۷ در مقابل سفارت هند در کابل بیش از چهل کشته و صد زخمی بر جای گذاشت. این عمل انتحاری واکنش های گسترده ای را در داخل و خارج افغانستان به دنبال داشته است. از همه جالب تر این است که مسئولیت عمل انتحاری مقابل سفارت هند را هیچ گروهی بر عهده نگرفته است.

شخص حامد کرزی به صراحت لهجه بیان کرد که: " دشمنان آرامش افغانستان با این حمله بزدلانه خواستند به روند گسترش مناسبات دوستانه افغانستان با کشورهای جهان، مخصوصاً هند صدمه بزنند. " وی پاکستان را عامل اصلی این حمله میدانند زیرا از مدتهاست که میان پاکستان و هند بر سر مسئله کشمیر جنگ و دعوا جریان دارد.

پاکستان نیز به نوبه خود این حمله را تقبیح نمود و تمامی گفته های حامد کرزی را مردود اعلام داشت. از آنجمله میتوان از شاه محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان یاد کرد که خود شخصاً حمله انتحاری به سفارت هند در کابل را محکوم کرده و برای بازماندگان کشتار دسته جمعی کابل ابراز همدردی نمود. وزیر خارجه پاکستان یک روز پس از حمله انتحاری به سفارت هند در کابل، بیانیه ای در اسلام آباد منتشر کرد و در آن یاد آور شد که:

" تمام گونه ها و مصادیق تروریسم را محکوم میکند و آن را مخالف ارزش های انسانی میدانند. "

دولت هند نیز حادثه انتحاری در مقابل سفارتش در کابل را کار دشمنان هند تلقی کرد و هیئتی را برای بررسی به منطقه اعزام داشت تا از جریان وقوع حادثه معلومات همه جانبه به دست آورد. دولت هند یاد آوری نموده که در این حمله انتحاری چند محافظ سفارت و سه دیپلمات هندی کشته شده اند.

از طرفی چند ساعت بعد از وقوع حادثه کمیسیون اروپا با تقبیح حمله به سفارت هند بیانیه ای را صادر کرد که در آن " بنیتا فریرووالدندر" آمر دیپارتمنت روابط خارجی اتحادیه اروپا یاد آور شده بود که: " من شدیداً این حمله تروریستی را که مردم غیرنظامی

صف کشیده در مقابل سفارت هند و کارمندان سفارت را هدف قرار داد، محکوم می کنم. " وی در ادامه می افزاید: " من امیدوارم کسانی که در پس این حمله انتحاری قرار دارند شناسایی شوند و توسط مقامات افغان به عدالت سپرده شوند. " از طرفی " کای آیده " فرستاده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در افغانستان نیز حمله انتحاری به سفارت هند در کابل را تقبیح نمود. وی این حمله را " شیوع و ناجوانمردانه " خواند.



فرستاده " بان کی مون " در افغانستان گفت: " نادیده گرفتن زندگی افراد بیگناه، تکاندهنده بود. " وی ادامه میدهد که: " در هیچ فرهنگ،

کشور و مذهبی، توجیهی برای کشتار دسته جمعی وجود ندارد. "

در کنار تمامی این ارگانها و اشخاص، کاخ سفید امریکا نیز حمله انتحاری به سفارت هند در کابل را تقبیح کرد. به گزارش خبرگزاری فرانسه، گوردن جاندری سخنگوی اداره امنیت ملی امریکا با ابراز همدردی با خانواده هایی که اقارب خود را در انفجار کابل از دست داده اند گفت: " تدریوان بی توجهی خود را به جان تمام انسانها و تمایل خود را به کشتن مردم مسلمان نشان می دهند. " مستر جاندری که به همراه رئیس جمهور امریکا " جورج بوش " و هیئت بلند پایه امریکایی به اجلاس سران کشورهای گروه هشت در جاپان رفته بود، همچنین یاد آور شد که: " ایالات متحده امریکا در کنار مردم افغانستان و هند است و ما با این دشمن، مشترک مواجه هستیم. !! "

این واقعه در حالی از طرف اکثر کشورهای عضو پیمان ناتو تقبیح شد که مسئولیت این حمله را هیچ گروهی بر عهده نگرفته است. دولت پاکستان نیز دست داشتن در این انفجار را رد کرده و تمامی گفته های سخنگوی رئیس جمهوری افغانستان را دروغی بیش ندانسته و گفته است که پاکستان از این حمله " ناجوانمردانه " متاثر میباشد.

با در نظر داشت شرایط حاد منطقه، " مستر آلن جانستون " عضو کمیته روابط جنوب آسیا، در گزارش ارائه شده خود گفته است که: " ما باید تحقیقات جامع در باره انفجار سفارت هند در کابل را طوری بررسی نماییم که چنین سوالی پیش خود داشته باشیم! چرا سفارت هند هدف عملیات انتحاری قرار گرفته است. "

اگر ما به اوضاع منطقه از لحاظ تاریخی بنگریم، دیده میشود که هند هم مثل دیگر قدرتهای منطقه بی از مدتها قبل به صحنه سیاسی همیشه آشفته افغانستان کشیده شده است.

در دهه نود میلادی که رژیم طالبان بر افغانستان حکومت می کرد، دولت هند متحد نزدیک احمد شاه مسعود فرمانده مقتدر مجاهدین تاجیک تبار در مبارزه طولانی مدتش با طالبان بود.

هفت سال پیش که امپریالیستهای اشغالگر امریکایی طالبان را از کابل بیرون راندند، نیروهای ائتلاف شمال به قدرت مهمی



در رژیم دست نشانده تبدیل شدند. هندیکی از حامیان خارجی جدی رژیم دست نشانده است و با آن رابطه نزدیکی دارد. دهلی نو در امداد رسانی به برنامه باز سازی مشارکت جدی دارد. مثلاً هندیها در حال احداث ساختمان پارلمان افغانستان هستند. بنا بر این شاید جای تعجب نباشد که طالبان هند را یکی از دشمنان بزرگ خود بدانند!! بسیاری از نیروهای طالبان در اردوگاه های پناهندگان افغانستانی در پاکستان، بزرگترین رقیب منطقه یی هند، پرورش یافته اند.

مهمتر اینکه پاکستان یکی از حامیان اصلی امارت اسلامی طالبان بود و قدرت طالبان را به رسمیت شناخته بود. دولت افغانستان به شدت مشکوک است که بین شبه نظامیان طالبان و برخی اعضای ارتش پاکستان رابطه نزدیکی وجود داشته باشد.

وزیر داخله افغانستان تقریباً بطور علنی سرویس امنیتی پاکستان را به دخالت در انفجار سفارت هند متهم کرده است. پاکستان هم این اتهام را کاملاً تکذیب کرده است!

گزارش کوتاهی از

حملات ددمنشانه نیروهای امپریالیستی به ولایات کنرو ننگرهار

۲۲ سرطان ۱۳۸۷

امنیتی (آیساف) در ولایت نورستان را بررسی کرده- می گوید در این حمله دست کم ۱۷ غیرنظامی کشته شده و ۹ تن دیگر زخمی شده اند. کشته و زخمی شدگان حمله روز پنجشنبه (۱۳ سرطان) کارمندان یک درمانگاه و ساکنان ولایت های کنر، نورستان و ننگرهار بودند.

با جمع بندی از ارقام تلفات در اکثریت ولایات افغانستان بخوبی دیده میشود که ددمنشی و سبیت امپریالیستهای اشغالگر تا چه حدی وسیع و گسترده است.

امپریالیستهای امریکایی بی مهابا به هر عمل جنایتکارانه ای که خود بخواهند دست میزنند. باید خشم و نفرت و انزجار مردمان ستمدیده کشور را به سوی برپائی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده سوق داد.

دهند که هیچ رابطه ای به طالبان نداشته اند. شینواری در مصاحبه ای که بارادیوی بی بی سی داشت چنین گفت:

"نیروهای ائتلاف ادعا داشتند که در این حمله ده تن از افراد طالبان و القاعده را کشته اند؛ ما این ادعا را مطلقاً رد می کنیم و در این حمله بیشتر زنان، کودکان و مردمان بی گناه و غیرنظامی شهید شده اند."

او افزود: "مجموعاً ۴۷ نفر کشته شده و نه تن دیگر زخمی شده اند. ما مجروحان را در شفاخانه عیادت کردیم و اجساد شهدا را در محل دیدیم." جمعه ۱۱

جولای ۲۰۰۸ - ۲۱ سرطان ۱۳۸۷ از سوی دیگر محمد امین نورستانی، رئیس اداره حقوق وزارت دفاع افغانستان- که حادثه حمله هوایی نیروهای به اصطلاح بین المللی یاری

حملات ددمنشانه نیروهای امپریالیستی بالای مجالس عروسی در ولایات ننگرهار و کنر باعث کشته شدن تعداد زیادی از مردمان ستمدیده این کشور گردیده است.

طبق گزارشات رسیده از محل حادثه حملات به تاریخ ۱۶ سرطان ۱۳۸۷ بوقوع پیوسته است که در جریان حمله نیروهای اشغالگر امپریالیستی در منطقه ده بالای ولایت ننگرهار ۵۱ تن کشته و ۲۸ تن زخمی گردیده اند. اما هیئتی که به سرپرستی برهان الله شینواری معاون مجلس سنا به منطقه رفته، گفته است که در حمله نیروهای ائتلاف به مراسم عروسی در ولایت ننگرهار ۴۷ تن کشته شده و نه تن دیگر زخمی شده اند، به گفته شینواری بیشترین قربانیان این حادثه را زنان و کودکان خورد سن تشکیل می

هشتاد و نهمین سالروز استرداد افغانستان از استعمار انگلیس

گرامی باد

فرا رسیدن بیست و هشت اسد، روز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس، را به تمامی زنان و مردان آزاده کشور تبریک می گوئیم. در شرایط کنونی که یکبار دیگر کشور در اشغال و رژیم دست نشانده رویکار است، تجلیل از سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس، بدون مخالفت، مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و رژیم پوشالی کنونی، بی مفهوم و پوچ است. اینچنین تجلیلی به مفهوم قلب ماهیت نمودن تجارب تاریخی مقاومت طولانی علیه استعمار انگلیس و بطور کل قلب ماهیت نمودن تمامی تجارب تاریخی مقاومت های مردمان این مرز و بوم علیه تجاوزات خارجی در طول چند هزار سال تاریخ این خطه است.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان، در راستای مبارزات حق طالبانه و تساوی جویانه زنان افغانستان، امسال نیز همانند سال های قبل، سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس را تجلیل می نماید تا یکبار دیگر مخالفتش را با اشغالگران کنونی و رژیم دست نشانده شان اعلام نموده و عزمش را برای مبارزه در راه استقلال کشور از طریق شمولیت در برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی راسخ تر سازد.

پرورش یک قشر کوچک زنان و وطنفروش توسط اشغالگران و به خدمت گرفتن آنها در چارچوب حاکمیت دست نشانده، محور اصلی سیاست اشغالگران و رژیم پوشالی در قبال زنان افغانستان را تشکیل می دهد. این قشر کوچک از زنان دست پرورده اشغالگران نه تنها به مقامات بالایی رژیم پوشالی راه داده می شوند تا بخشی از نمایندگان سیاسی فئودال ها و سرمایه داران دلال حاکم را تشکیل دهند، بلکه در سطح دیگری خود مستقیماً به جرگه ثروتمندان پرورده شده راه می یابند. همین قشر کوچک از زنان، توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده شان، به مثابه نمایندگان زنان افغانستان و به عنوان نمونه ای از آزادی زنان افغانستان جا زده می شود؛ در حالیکه این قشر کوچک چند فیصده، جزء گردانندگان نظام استثمار و ستم، منجمله ستم شوونیستی مرد سالار، هستند و کل هویت و موجودیت شان در ضدیت با منافع و خواست های اساسی توده های وسیع زنان قرار دارد.

آنچه در افغانستان اشغال شده و نیمه فئودالی، نصیب توده زنان - که اکثریت بیشتر از ۹۵ فیصد زنان را تشکیل می دهند - گردیده و می گردد، نه آزادی و مساوات بلکه بی امنیتی، گرسنگی، فقر، بیخانمانی، کشتار، بی سرنوشتی، بمباران های قتل عام کننده، خانه تلاشی های وقت و ناوقت، اختطاف و گروگان گیری اطفال و بزرگ سالان خانواده ها و تجاوزات جنسی است. این بدبختی ها علاوه بر بیحقوقی کامل سنتی و سلطه وسیع و گسترده رسوم و عنعنات فرسوده و قرون وسطایی و خرافات ضد علمی، دست ها و پاهای زنان را در زنجیر ستم نگه می دارد و شوونیسم مرد سالار حاکم را به مثابه بخش جدایی ناپذیری از کل نظام استثمار گرانه و ستمگرانه حاکم همچنان مسلط نگه می دارد.

زنان افغانستان نصفه بیشتر نفوس کشور را تشکیل می دهند. سرنوشت آنان از سرنوشت نصفه کمتر نفوس کشور (مردان) و از سرنوشت کل کشور و مردمان کشور جدایی ناپذیر است. اشغال کشور توسط امپریالیست ها و حاکمیت رژیم دست نشانده آنها، زنان را همانند مردان و بلکه بیشتر از آنان، رنج می دهد. مبارزه برای تامین حقوق زنان و تامین تساوی میان مردان و زنان، با مبارزه برای طرد اشغالگران و سرنوشتی رژیم پوشالی در مسیر مبارزه برای ایجاد جامعه فارغ از هر نوع استثمار و ستم، پیوند ناگسستنی دارد.

به پیش در راه برپایی و پیشبرد مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران و رژیم پوشالی!

خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها سازیم!

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۲۸ اسد ۱۳۸۷ (۱۹ اگست ۲۰۰۸)

بیست و هشتم اسد را گرامی بداریم و تعهد خاراغین خود را در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پویشالی سرتاسری سازیم

بار دیگر سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس فرارسید. بیاید تا دست در دست هم داده یاد عزیزانی را که در راه تامین استقلال سیاسی افغانستان جانفشانی نمودند تجلیل نماییم. بیاید تا با اتحاد و همبستگی، خاطرات شجاعتهای، دلیریهای، ایثار و رشادتهای اجداد و نیاکان خود را که بخاطر تامین استقلال و آزادی افغانستان فداکاریها داشتند زنده نماییم و تعهد خاراغین خود را برای ادامه دادن راه آنان و بخاطر نجات افغانستان از زیر سلطه امپریالیزم لجام گسیخته امریکا هرچه بیشتر و بیشتر استوار و آهنین سازیم.

اگر تاریخ معاصر کشور را مورد بررسی قرار دهیم و یا در واقع سراسر تاریخ کشوری بنام افغانستان را ورق زنیم دیده میشود که تاریخ سلطه مستقیم و غیرمستقیم استعمار کهن و امپریالیزم و حاکمیت طبقات استثمارگر و وابسته به آنهاست. این تاریخ از یک جانب تاریخ مبارزات طبقاتی و ملی مردمان ما علیه طبقات حاکم و استثمارگر و اربابان استثمارگر و امپریالیست شان و از طرف دیگر تاریخ سرکوب این مبارزات توسط استثمارگران بومی و باداران خارجی استعمارگر و امپریالیست شان میباشد. هشتاد و نهمین سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس را در حالی تجلیل میکنیم که فقر و بدبختی، آوارگی، بی خانمانی، درد و رنج و مشقت هزاران انسان بیگناه این سرزمین، علی الخصوص جوانان، سیر رو به افزایش خود را سپری میکند. سالروز استرداد

استقلال افغانستان از استعمار انگلیس را در حالی تجلیل مینماییم که نیروهای ۳۷ کشور امپریالیستی و ارتجاعی خارجی بی مهابا و خود سرانه دست به هر نوع عمل جنایتکارانه ای که بخواهند میزنند. بمبارانهای هوایی خود سرانه و کتلههای یانکی و متحدین شان در گوشه و کنار کشور، از آنجمله هسکه مینه نگرهار، نورستان، زیرکوه شیندند، کاپیسا و دیگر مناطق کشور نمونههای بارزی از این خود سری هاست. تجاوز به زنان و دختران، رشد روز افزون کشت و قاچاق مواد مخدر در کشور، اختطاف اطفال، ترور، اختناق، آدم ربائی، تورم اقتصادی، فساد اداری، بالا رفتن پیهم نرخ مواد ارتزاقی و بی کنترل شدن بازار اقتصادی افغانستان، بی امنیتی سرتاسری به شمول بی امنیتی در پایتخت، شهرهای بزرگ و شاهراهها، تزلزل و پاشیدگی در اردو و پولیس رژیم پویشالی، این حقیقت را دیگر کاملاً و در عمل به اثبات رسانیده که حاکمیت موجود تا چه حد غرق در فساد و تا چه حد پویشالی و دست نشانده میباشد.

امروزه کشتار انسانهای بیگناه، تخریب منازل و مزارع دهقانان و سیر رو به کاهش سریع و روز افزون ظرفیت اشتغال، خون میلیون ها انسان محروم و تحت ستم این سرزمین را به جوش آورده است. توده های ستمدیده و به انقیاد کشیده این سرزمین آنقدر عاصی اند که در شرایط نبود حضور فعال نیروی ملی، مردمی و انقلابی در صحنه پیکار حتی وسیعاً به سوی یک نیروی ارتجاعی امتحان داده، حرکت نمایند.

آنچه را که باید جایگزین استعمار و سلطه شوم امپریالیزم جهانی نمود، همانا تامین استقلال سیاسی افغانستان از طریق اخراج قوای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده در مسیر سرنگونی کل سلطه امپریالیزم بر کشور، سرنگونی حاکمیت نیمه فئودالیزم و بورژوازی کمپرادور و استقرار حاکمیت دموکراتیک توده های وسیع خلق

هشتاد و نهمین سالروز استرداد استقلال افغانستان از دست استعمار پیر انگلیس یکبار دیگر تعهد می بندد که در راه برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده، از هیچگونه سعی و مجاهدتی فرو گذار نخواهد کرد.

**به پیش در راه برپائی و پیشبرد
مقاومت ملی مردمی و انقلابی
علیه اشغالگران امپریالیست
و خائنین ملی!**

**جنبش انقلابی جوانان
افغانستان**

۲۸ اسد ۱۳۸۷

سرعت به حرکت درمی آیند.

" بسیج وسیع جوانان در مقاومت ملی مردمی و انقلابی یکی از آن وظایف تخطی ناپذیر ملی مردمی و انقلابی به شمار می رود که اجرای اصولی آن، نظام مستعمراتی - نیمه فئودالی حاکم را در معرض نابودی قرار میدهد. "

" باید تمامی جویبارهای نارضایتی و خشم جوانان به حرکت درآیند و سمت و سوی واحدی بیابند، تا قوت عظیم مبارزاتی شان در پیوند با کل مقاومت ملی، مردمی و انقلابی خلق های زحمتکش کشور و به مثابه بخشی از این سیلاب سهمگین، به حرکت در آیند و بر دژهای اشغالگران و دست نشاندهگان شان یورش برد و ویران شان سازد. "

جنبش انقلابی جوانان افغانستان در

های کشور، عمدتاً دهقانان و در راس کارگران، بر پایه پیشبرد انقلاب ارضی و مصادره سرمایه دلال خواهد بود. این دوهدف بزرگ (سرنگونی سلطه امپریالیزم و سرنگونی سلطه ارتجاع داخلی) مضمون ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی انقلاب دموکراتیک نوین کشور را تشکیل میدهد.

یکبار دیگر روی فراخوان های مطرح شده در پلاتفورم مبارزاتی جنبش انقلابی جوانان افغانستان تاکید می نمائیم و اعلام می کنیم که :

" در شرایط امروزی نیاز شدیدی برای برپائی جنبش وسیع ملی مردمی و انقلابی جوانان وجود دارد. "

" جوانان یکی از بخشهای حساس جامعه ما محسوب میشوند که در مسیرتغییرات و تحولات اجتماعی به

دوستی با نام مستعار " ش. رها " سروده زیبایی را به پیکار جوانان ارسال نموده اند که جا دارد ازین دوست خود جهت ارسال شعرشان سپاسگزاری نموده و شعرشان را درین شماره به نشر برسانیم.

برخیز! ...

ای مرکز یأس و نارسایی!

ای محور فقر و بینوایی!

تا چند کرخت و سرد و بیجان،

چون پیکر خشک مومیایی؟

نگ است به بازوی توانا

آویخته کاسه گدایی

مرگست رهین بخت بودن

با اینهمه شور کد خدایی

ای خفته به بستر مذلت!

بشنو سخنی ز این فدایی:

برخیز ز خواب مرگ برخیز

برخیز و به حادثات بستیز

ای مأمن آرزو و آمال!

تا کی به سم زمانه پامال؟

این سان که تویی ندیده دوران
بیچاره و بینوا و بی حال
بودی چو عقاب و آسمان ریخت
در کنج قفس ترا پر و بال
آخر چه شد آن جهان گشایی
آن عصر پُر از شکوه و اجلال؟
تا عظمت پار باز گردد
زین بعد فرو گذار اهمال

برخیز ز خواب مرگ برخیز

برخیز و به حادثات بستیز

ای دوست! جهان نه جای خواب است

هستی همه رهن اضطراب است

از بهر زمین فلک کند کار

گل حاصل زحمت سحاب است

هر کس ره ارتقا پیوید

هر ذره ب فکر آفتاب است

قانون تکامل است جاری

بنگر به جهان چه انقلاب است

آخر تو چرا نجیبی از جا
تا کی اثر تو در حجاب است

برخیز ز خواب مرگ برخیز

برخیز و به حادثات بستیز

امروز زمان، زمان کار است

آسوده کسی که بیقرار است

خشتی که بدست عشق مانند

شالوده کاخ افتخار است

آن سر که ز فکر خلق عاریست

شایسته حلقه های دار است

از سنگ ستم شکسته بهتر

آن دل که به سینه بی شرار است

منشین به امید غیر زین بیش

میهن به ره تو انتظار است

برخیز ز خواب مرگ برخیز

برخیز و به حادثات بستیز

اعتصاب دریوران در مسیر شاهراه هرات - قندهار



گزارشی از اعتصاب دریوران در مسیر شاهراه هرات - قندهار

بر اساس تازه ترین گزارشهای رسیده، شاهراه هرات - قندهار که از تاریخ اول سرطان به روی وسایط نقلیه مسدود گردیده بود، بالاخره به تاریخ دوازدهم سرطان باز شد.

صفحه ۱۱

گزارش کوتاهی از حملات ددمنشانه نیروهای

امپریالیستی به ولایات کنرو ننگرهار حملات ددمنشانه نیروهای امپریالیستی بالای مجالس عروسی در ولایات ننگرهار و کنر باعث کشته شدن تعداد زیادی از مردمان ستمدیده این کشور گردیده است. صفحه ۱۶

گزارش مختصری از

حمله انتحاری به سفارت هند در کابل انفجار انتحاری روز دو شنبه ۱۷ سرطان ۱۳۸۷ در مقابل سفارت هند در کابل بیش از چهل کشته و صد زخمی برجای گذاشت. صفحه ۱۵



مرگ بر اشغالگران امپریالیست و خائنین ملی دست نشانده

مباران هوایی خود سرانه نیروهای اشغالگر امریکایی در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار را به شدت تقبیح نمایم! اعلامیه منتشره از طرف جنبش انقلابی جوانان افغانستان که به تقبیح مباران های خود سرانه نیروهای امپریالیستی پخش گردیده است. صفحه ۱۳

گرامی باد هشتاد و نهمین سالروز استرداد استقلال افغانستان از استعمار انگلیس

اعلامیه منتشره دسته هشت مارچ زنان افغانستان صفحه ۱۷

دو حمله ناجوانمردانه امپریالیستها را تقبیح کنیم و خشم و انزجار خود را به مقاومت ملی مردمی و انقلابی تبدیل نمایم

حملات هوایی نیروهای یانکی بر مجالس عروسی در ولایات ننگرهار و کنر باعث کشتار بیرحمانه مردمان ستمدیده کشور گردید. صفحه ۱۴

بیست و هشتم اسد را گرامی بداریم و تعهد خرائین خود را در مسیر برپائی و پیشبرد مقاومت ملی، مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی سرتاسری سازیم. اعلامیه منتشره جنبش انقلابی جوانان افغانستان - صفحه ۱۸

برای آغاز یک جنبش مترقی و انقلابی در جامعه و تثویت و تحکیم آن قبل از همه به تدارک فکری نیاز است. این آمادهگی فکری از طریق تبلیغ و ترویج اندیشه های انقلابی و مترقی در جهت ارتقاء سطح آگاهی فکری و سیاسی توده های مردم و ایجاد یک تشکیل انقلابی مردمی میسر میگردد. زیرا بدون چنین تدارکی نمیتوان مبارزات ملی و طبقاتی توده های مردم را به جهت درست و اصولی آن رهبری کرده و آنرا به فرجام پیروزنده آن رساند.

نشانی های جنبش انقلابی جوانان افغانستان

وب سایت (تارنمای) جنبش انقلابی جوانان افغانستان :

www.afghanistanrymo.org

پست های الکترونیکی (ایمیل آدرسها) :

مقالات و گزارشات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:

paikarejawanan@gmail.com

basoye@hotmail.com

soray1364@yahoo.com

نظرات - پیشنهادات و انتقادات تان را به این ایمیل آدرسها به ما ارسال بدارید:

jawanaan@gmail.com

afghanistan123@hotmail.com

